

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله تک نگاشت های
الگوی اسلام ایران پیشرفت
وجوب اعتبار الگوی اسلامی
ایرانی پیشرفت از دو چالش
بزرگ اقتصاد سرمایه داری

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی:

**باید در طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت
بر چهار عرصه‌ی فکر، علم، معنویت و زندگی تکیه شود
که در این میان، موضوع «فکر» بنیانی‌تر از بقیه‌ی عرصه‌ها است**

در دیدار اعضای شورای عالی
مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
۱۳۹۱/۱۲/۱۴

عنوان و نام پدیدآور	: وجوب اعتبار الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از دو چالش بزرگ اقتصاد سرمایه‌داری / نگارش عبدالمجید شیخی... [و دیگران]؛ به سفارش مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
مشخصات نشر	: تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۵۴ ص: جدول، نمودار.
فروست	: سلسله تک نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: ۱۸.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۴۰۱-۵-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: نگارش عبدالمجید شیخی، مجتبی پالوج، مصطفی شیخی، شهلا مولوی.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: سرمایه‌داری
موضوع	: اسلام و سرمایه داری
موضوع	: اسلام و اقتصاد
موضوع	: جمعیت - پیری
موضوع	: بحران مالی
شناخته افزوده	: شیخی، عبدالمجید، ۱۳۴۰ -
شناخته افزوده	: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ و ۱/۳ HB۵۰۰
رده بندی دیویی	: ۳۳۰/۱۲۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۵۴۸۱۱۴

سلسله تک نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت:
وجوب اعتبار الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از دو چالش بزرگ اقتصاد سرمایه داری

نگارش: دکتر عبدالمجید شیخی، دکتر مجتبی پالوج، مصطفی شیخی، شهلا مولوی

ناشر: نشر الگوی پیشرفت، وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

نوبت چاپ: اول، اردیبهشت ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۴۰۱-۵-۳

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

تلفن: ۰۲۱ ۸۸۰۱۴۶۴۸ - ۰۲۱ ۸۸۶۳۴۰۰۸

www.olgou.ir

Email:olgou@olgou.ir

نشانی: تهران، خیابان جلال آل احمد، روبه‌روی بیمارستان شریعتی، شماره ۳
تمامی حقوق این اثر متعلق به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است.
مسئولیت دیدگاه‌های بیان شده در این تک نگاشت بر عهده مؤلفان محترم است.

پیشگفتار

تعیین مبانی، ارکان، چارچوب و مسیر پیشرفت کشور در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باید با مشارکت گسترده و حضور همه جانبه دانشمندان، محققان، نخبگان دانشگاهی و حوزوی و جوانان این مرز و بوم صورت گیرد. به گواه تاریخ و تجارب گذشته، پیشرفتی همه جانبه و پایدار خواهد بود که مبانی اسلامی و اقتضائات ایرانی در آن توأمان مورد توجه باشد.

اینک مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در آستانه اتمام سه سال تلاش‌های علمی، تخصصی و فکری درباره پیشرفت اسلامی ایرانی، برگزاری نشست‌های علمی و تخصصی، تاسیس اندیشکده‌های مرکز، انتشار صدها مقاله ارزشمند و تهیه نقشه راه تدوین الگو و انجام برخی از مراحل آن، در نظر دارد با هدف تولید دانش و گسترش و تعمیق ادبیات موضوعی در حوزه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، آثاری را به صورت تک نگاشت‌های علمی فاخر منتشر نماید. تک نگاشت نوشتاری تخصصی و نیمه مبسوط است که توسط یک پژوهشگر خبره در یک موضوع خاص نگاشته می‌شود. تک نگاشت از نظر حجم و محتوا حد فاصل مقاله و کتاب است و نویسنده با پردازش و تحلیل یافته‌ها و مطالعات تخصصی پیشین و افزودن یافته‌های پژوهشی جدید خود و تحلیل جامع و منسجم آنها افق‌های تازه‌ای را در زمینه مورد بررسی می‌گشاید.

سلسله تک نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که در مجلدات مختلف منتشر می‌شوند، حاصل تلاش جمعی از استادان، اندیشمندان و محققان دانشگاهی و حوزوی است که مراحل مختلف نگارش، ارزیابی، ویراستاری، تدوین و انتشار را با نظارت متخصصان و اهل فن گذرانده است و در اختیار صاحب‌نظران قرار می‌گیرد. در پایان از مساعدت‌ها و تلاش‌های ارزنده نویسندگان تک نگاشت‌ها و داوران و مراکز مختلف علمی و پژوهشی که ما را در تهیه، تدوین و انتشار این سلسله یاری رساندند، تقدیر و تشکر می‌شود. امید است این محتوای علمی بتواند افق‌های نو و روشنی را در پیش چشم متخصصان دانشگاهی و حوزوی بگشاید و هر روز در طی مسیر تدوین و تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت گام‌های بلندتر و استوارتری برداشته شود.



فهرست

۵	چکیده
۶	مقدمه
۱۳	تعاریف و مفاهیم
۱۳	بخش مجازی و حقیقی اقتصاد
۱۴	پیشینه بحث
۱۵	بحث علل، عوامل، ریشه‌ها و آثار بحران پیری جمعیت
۱۹	بحث علل، عوامل، ریشه‌ها و آثار بحران مالی اقتصاد سرمایه‌داری
۲۷	بحث و نتیجه‌گیری
۲۷	ابعاد چالش پیری جمعیت
۳۲	نگرش اقتصادی به جمعیت - روش کنترل هزینه متغیر جمعیت
۳۶	ابعاد چالش بحران مالی و اقتصادی
۳۸	نقد نظریه نظریه پردازان دل‌باخته غرب
۴۳	آسیب شناسی بحران، تورم بخش غیر حقیقی
۴۶	ماهیت سربار بخش غیر حقیقی
۴۷	الگوی اقتصاد اسلامی و عبرت‌های ما
۴۹	پیشنهادها
۵۰	منابع



چکیده

وقوع بحران اقتصادی در اقتصاد سرمایه‌داری و غرب هرچند پدیده جدیدی در قرن گذشته نیست ولی با مجموع هنجارهای فکری و انتظارات شکل گرفته ناشی از تبلیغات غربی‌ها در باره موفقیت و الگو بودن اقتصاد سرمایه‌داری، بویژه در مقابله و رقابت با اقتصاد بلوک شرق، تا حدودی غیر قابل انتظار تلقی می‌شد. در این نوشتار با روش استدلال کلی منطق پس از ارایه تعریفی از مفاهیم بخش حقیقی و غیر حقیقی اقتصاد و استناد به دو مقدمه به طور خلاصه به بحث و نتیجه‌گیری در دو چالش بزرگ تمدن غرب و اقتصاد سرمایه‌داری پرداخته می‌شود. یکی پیری جمعیت و تبعات مختلف آن و از همه مهمتر عارضه «تناقض توسعه» است که افول بضاعت علمی و فناوری را در درازمدت به دنبال دارد. زیرا با افزایش سن جمعیت، نیروی فکری گروه سنی جوان در جمعیت رو به کاهش می‌رود. معضل دیگر بزرگ شدن بخش مجازی و حباب شدن بخش مالی و پولی است که مرزهای بخش حقیقی اقتصاد را درنوردیده و دنیای غرب را به سراشیبی سقوط انداخته است. پدیده بحران مالی و اقتصادی ناشی از ربوی بودن فعالیت‌های پولی و مالی، متورم شدن بخش غیرحقیقی، رهاسازی مدیریت اقتصاد و تناقضات درونی نظام اقتصاد سرمایه‌داری است. در مقام مقایسه با وضعیت مطلوب، در الگوی اقتصاد اسلامی که بر اساس موازین شرعی و عقلی ارایه می‌شود توصیه می‌شود برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر جوانتر شدن متغیر متوسط سنی تاکید و برنامه‌ریزی شود و همچنین با اتکا به الگوی اقتصاد اسلامی در تمام معادلات رفتاری حتی فعالیت‌های شبه‌ربا و شبهه ناک حذف و از بزرگ شدن لایه غیرحقیقی در اقتصاد کشور اجتناب شود.



مقدمه

۱۱ دیماه ۱۳۶۷ هجری شمسی سالروز صدور نامه تاریخی حضرت امام خمینی (سلام الله علیه) بنیانگذار جمهوری اسلامی به میخائیل گورباچف رهبر کشور اتحاد جماهیر شوروی است. امام در بخشی از آن پیام خطاب به گورباچف فرمودند: «... باید به حقیقت روی آورد. مشکل اصلی کشور شما مسئله مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست. مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست. همان مشکلی که غرب را هم به ابتدال و بن‌بست کشیده و یا خواهند کشید. مشکل اصلی شما مبارزه طولانی و بیهوده با خدا و مبدأ هستی و آفرینش است.» و در بخش دیگری می‌فرمایند: «شما اگر بخواهید در این مقطع تنها گره‌های کور اقتصادی سوسیالیسم و کمونیسم را با پناه بردن به کانون سرمایه‌داری غرب حل کنید، نه تنها دردی از جامعه خویش را دوا نکرده‌اید، که دیگران باید بیایند و اشتباهات شما را جبران کنند؛ چرا که امروز اگر مارکسیسم در روش‌های اقتصادی و اجتماعی به بن‌بست رسیده است، دنیای غرب هم در همین مسائل، البته به شکل دیگر، و نیز در مسائل دیگر گرفتار حادثه است.» و در بخش دیگر تأکید می‌فرمایند: «امروز دیگر چیزی به نام کمونیسم در جهان نداریم. ولی از شما جداً می‌خواهم که در شکستن دیوارهای خیالات مارکسیسم، گرفتار زندان غرب و شیطان بزرگ نشوید...»

پیش‌بینی آن یگانه دوران هم اکنون در حال وقوع است و ان‌شاء الله به زودی باید شاهد شکسته شدن کامل استخوان‌های نظام پوسیده اقتصاد لیبرالیسم غرب باشیم. مقام معظم رهبری نیز در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۰ پیش‌بینی نمودند که به زودی بیداری انسانی به درون جوامع غرب کشیده خواهد شد و چه خوب این مکاشفه و بصیرت اجتماعی ایشان به حقیقت پیوست. اقتصاد سرمایه‌داری در چند دهه گذشته دچار فراز و نشیب‌های زیادی بوده است. بخصوص در دهه ۱۹۳۰ و دهه ۱۹۷۰ و به همین دلیل مرتباً به انفعال



افتاده و تحت تاثیر بحران های مبتلابه خود، نحله های فکری متفاوتی را تجربه کرده که به نحوی به تفسیر و توجیه معضلات پرداخته و برای حل آنها نسخه درمانی پیچیده اند. در دهه ۱۹۳۰ نحله کلاسیک ها جای خود را به نحله کینزین ها می دهد. در دهه ۱۹۷۰ نحله پولگرایان جدید و در راس آنها میلتون فریدمن به نظریه مسلط در تحلیل پدیده تورم در محافل آکادمیک اقتصاد مبدل می شود. مجدداً در دهه ۱۹۸۰ مکتب شیکاگو با نظریات متفکران جدیدتر خود از جمله نظریه انتظارات عقلایی پا به عرصه می گذارد و به عدم مداخله دولت اعتقاد دارد. در طول چند دهه گذشته افکار نئو کلاسیکی با رویکرد نهایی گرای (مارجینال) در جای جای ادبیات علم اقتصاد جای داشته و دارد. آنچه در عمل در حداقل سه دهه گذشته مشاهده شده و فراتر از ادبیات علم اقتصاد جامعه غرب را سمت و سو داده و هسته فکری مرکزی اداره کشورهای پیشرفته در این مجموعه بوده و امروزه پدیده ای به نام «اقتصاد سرمایه داری» شناخته می شود ترکیبی از چهار مکتب کلاسیک، شیکاگو، مکتب پولیون و کلاسیک های جدید با عمل به این فرمان هاست ::

- نظام حاکم بر بازار و عملکرد قیمت ها قادر خواهد بود تعادل عمومی اقتصاد را ایجاد کند.

- تأکید بر نفع شخصی و عدم دخالت دولت در اقتصاد (برگرفته از مکتب کلاسیک قرن نوزدهم)

- پول یکی از مهمترین متغیرهای تأثیر گذار اقتصادی است.

- سیاست های مداخله گرایانه دولت تنها موجب وخامت امور اقتصادی می شود. اقتصاد بازار آزاد به طور ذاتی باثبات و بحران های اقتصادی کوتاه مدت و زود گذر است (برگرفته از مکتب میلتنون فریدمن یعنی پولیون).

- مردم در برخورد با وقایع اقتصادی از تمام اطلاعات موجود و قابل دسترس (انتظارات عقلایی) استفاده می کنند. بنابر این سیاست های دولت خنثی می شود (برگرفته از مکتب کلاسیک های جدید).

- منشا تمام مشکلات مداخله دولت در اقتصاد است (برگرفته از مکتب شیکاگو).

وقوع بحران مالی سال ۲۰۰۸ شرایط جدیدی را برای اقتصاد سرمایه داری ایجاد کرده است. چندین قرن از غارت گری غربی ها در کشورهای در حال توسعه می گذرد. سلطه فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی و غارت اموال ملل مختلف و ایران به انحای مختلفی صورت



گرفته است. سلطه بر بازار پول (چون رواج پول آنها به صورت ارز بین‌المللی)، سلطه بر بازارهای مالی (که تسری بحران مالی و روابط نامشروع ربوی به تمام کشورها نمادی از این غارت‌گری است)، سلطه بر بازار کالاها و خدمات (و حاکمیت علائم تجاری و برندهای آنها که نمادی دیگر از این غارت‌گری است)، سلطه بر الگوی مصرف (وارداتی کردن الگوی مصرف کشورهای که با کمک ریشه‌کنی فرهنگی بومی کشورها صورت گرفت)، سلطه بر بازار سرمایه که به عنوان نمونه در سال ۱۹۹۸ اقتصاد جنوب شرقی آسیا را ویران نمودند^۵ و انواع دیگر سلطه.

یکی دیگر از اقدامات اینان تمرکز دادن جریان‌های سود بادآورده در درون نظام خودشان، مجمع جهانی اقتصاد در محل داووس کشور سوئیس است.

این مجمع در سال ۱۹۷۱ میلادی ایجاد شده است. از دیدگاه موسسان و حامیان غربی آنها مکانی بزرگ و مهم برای گفتمان در باره مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی است. ولی از دیدگاه منتقدان این مجمع تنها یک مجمع تجاری برای مرفه‌ترین تجار جهانی بزرگ است که در سال مالی بیش از ۱۰ هزار میلیارد دلار و درآمدی بیش از یک میلیارد دلار دارند. درآمد مستقیم این مجمع نیز از سه منبع تامین می‌شود که در سال ۲۰۰۶ به ترتیب ۲۵، ۲۶ و ۴۳ درصد آن از حق عضویت شرکت‌های چندملیتی و بزرگ غربی بوده است. هزینه شرکت در این مجمع از سوی مدعوین و هزینه شرکت در تمامی جلسات داخلی از سوی مجمع تامین شده است. لذا پر واضح است که این گردهمایی همانند انواع دیگر غارت‌گری مانند دامی پهن شده برای شکار بیشتر منافع مترفین صهیونیست جهانی است. بهانه‌ای برای منفعت‌طلبی بنگاه‌های بزرگ جهانی اقتصاد که بازار جهانی را در قبضه خود دارند و محفلی برای چانه‌زنی جذب مشتری و فشار بر رجال سیاسی و جلب نظر آنها برای معامله بیشتر و فتح دروازه‌های بازارهای کشورها به روی صادرات انواع کالاها و خدمات آنها و هضم کردن اقتصاد آنها در امواج سلطه اقتصادی غرب است و نهایتاً در راستای سیطره همه‌جانبه و ترویج سیاست غرب و ایجاد دهکده جهانی است. هیئت رئیسه این مجمع ۲۰ نفر است که همه اروپایی و آمریکایی و از جمله آنها (در سال ۲۰۰۹) رئیس‌جمهور وقت آمریکا و نخست‌وزیر وقت انگلیس (جرج دلبیو بوش و تونی بلر) بوده‌اند. برای جلب هر چه بیشتر سود این مجمع هر ساله بهانه‌ای به عنوان دستور کار پیدا می‌کند. در سال ۲۰۰۸ «قدرت خلاقیت



مشارکتی در جهان» در دستور کار این مجمع بود. آنچه عملاً در این اجلاس اتفاق افتاد ژست بزرگی از توجیه و دفاع از موفقیت اقتصاد سرمایه‌داری و قیافه حق به جانب‌گیری از مبانی اقتصاد سرمایه‌داری و دعوت دیگران به این مدل بود. وقوع بحران مالی بزرگ در اواخر سال ۲۰۰۸ به یکباره باعث چرخش ۱۸۰ درجه‌ای در دستور کار مجمع شد. لذا در ۲۰۰۹ دستور کار از ژست موفقیت و جشن متکبرانه به «بررسی بحران مالی و بهبود اوضاع مالی و اقتصادی جهان از طریق بازسازی و تجدید نظر در سیاست‌های پیشین!» تبدیل شد که پس از فروپاشی ایدئولوژی کمونیسم باید به عنوان بزرگترین حادثه اقتصادی سیاسی قرن از آن یاد نمود. یعنی وقوع دومین شکست و فروپاشی در تمدن مسخ شده از موازین الهی «ایدئولوژی سودجویانه سرمایه‌داری» بود که به خوبی توسط حضرت امام خمینی (سلام الله علیه) پیش بینی شده بود. نتیجه برخی نظر سنجی‌ها از این قرار است که در این مجمع:

- پیشنهادها غیر منسجم و متضاد بود.

- ناموفق بود.

- صاحبان صنایع و تجار بزرگ توجیه‌گر وضع موجود بودند.

- اقتصاد دانان بر خلاف الگوی آزادسازی اقتصاد سرمایه‌داری اظهار می‌داشتند که بانک‌ها باید دولتی شوند.

- سیاست‌مداران فقط به همدیگر تسلی خاطر می‌دادند!

این بحران اقتصادی بزرگ نیز دستور کار سال ۲۰۱۰ را تحت الشعاع خود قرار داد. از جمله دستور کار:

- راه‌های پایه‌گذاری ارزش‌های (غربی) تازه در اقتصاد!

- تقویت اقتصاد و بهبود اوضاع اقتصادی و اجتماعی و کاهش خطر پذیری‌های جهانی (از نوع هرزگی رفتار سامانه‌های پولی، مالی و بانکی که مسبب اولیه این بحران شدند).

- تضمین ثبات و پایداری توسعه

- اعتماد سازی و ایجاد موسسات و نهاد های بین المللی کارآمد

- و نهایتاً رئیس جمهور وقت آمریکا (بیل کلینتون) با فراکنی موضوع پیشنهاد کمک به بازسازی کشور زلزله زده هائیتی را مطرح می‌کند تا شاید توجیه دیگری برای لشکر کشی به این کشور شود.



با وجود گزارش صندوق بین‌المللی پول مبنی بر اینکه «از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۷ بیش از ۱۲۴ بحران بزرگ در کشورهای سرمایه‌داری شکل گرفته است که همه آنها نیز پشت سر گذاشته شده‌اند.»^۷ اکنون پس از گذشت ۶ سال از شروع بحران هنوز نه تنها علائمی از حل این مشکل به چشم نمی‌خورد بلکه روز به روز بر شدت بحران و سرایت آن به تاروپود اقتصاد کشورهای غربی افزوده می‌شود.

ژوزف استیگلیتز (۲۰۱۰) اقتصاددان برنده نوبل، از بحران بزرگ در کتاب خود به نام آمریکا، بازارهای آزاد و فروافتادن اقتصاد جهانی، بنیادگرایی بازار آزاد را که به نظر وی عامل بروز بحران ۲۰۰۸ است، به شدت نقد می‌کند.^۸ یکی از مشخصات این بحران تکانه آشکار و دفعتاً در نظام اقتصادی است. در کنار این پدیده یک بحران بطئی و پنهانی وجود دارد که همانند کوه یخ، بخش اعظم آن پنهان و حرکت آن از نوع خزنده و بطئی است. این بحران سالخورده‌گی جمعیت در کشورهای جامعه اقتصادی غرب بویژه اروپا است که از آن باید به عنوان تناقض بزرگ توسعه در تمدن غرب یاد کرد. در دو سال اخیر حرکت‌های سازنده‌ای در کشور ما در جهت توصیه به زاد و ولد بیشتر صورت گرفته است. سخنان و رهنمودهای امام خامنه‌ای فصل الخطاب و آغازگر این حرکت سازنده بوده است. طرح پرداخت مبلغ یک میلیون تومان به حساب سپرده هر نوزاد به صورت بلاعوض از طرف دولت دهم نیز در صورت اجرا می‌تواند مشوق خوبی باشد. برگزاری همایش تغییرات جمعیتی و نقش آنها در تغییرات مختلف جامعه توسط معاونت پژوهشی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) که با همکاری مراکز علمی، پژوهشی و اجرایی کشور در تاریخ ۹ آبان ماه ۱۳۹۲ اجرا شد، نیز حرکت شایسته‌ای در این راستاست. در برخی از محافل شنیده شده که نسبت به این اقدامات و تشویق مردم به تولد فرزند بیشتر انتقاد شده است. توسعه فناوری ثابت کرد که نظریه‌های بدبینانه امثال مالتوس نمی‌توانند اعتبار داشته باشند. به عبارت ساده‌تر افکار سکولار امثال مالتوس علاوه بر غفلت بزرگ نسبت به رازقیت خداوند تبارک و تعالی از کم‌کیف نقطه مقابل قانون مخلوق خالق یعنی بازدهی عامل سرمایه و فناوری در قانون بازده نزولی برای اشتغال و افزایش بهره‌وری و تولید غذا توسط جمعیت بیشتر غافل بودند. آنچه مسلم است از دیدگاه اسلام تربیت اولاد صالح بسیار تشویق شده و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند که به کثرت موالید در امت خود مباحثات می‌کنند. در دیدگاه اسلامی خداوند رازق موجودات است و اگر روابط



ناسالم اقتصادى نباشد كسى از رزق الهى محروم نمى شود. از ديده گاه اقتصاد اسلامى و بر اساس رهنمود هاى ائمه اطهار (عليهم السلام) منشا گرسنگى كثرت جمعيت نيست بلكه توزيع نابرابر ثروت و در آمد سبب وجود آمدن فقر و مسكنت مى شود. امام المتقين عليه السلام مى فرمايند: ما جاع الفقير الابما متع به غنى: هر جا گرسنه اى باشد در کنار آن انسان مرفه اى وجود دارد. بدين مفهوم كه بر اساس روابط ناسالم اقتصادى غنى حق فقير را غصب كرده است. نظام سرمايه دارى غرب پس از چند دهه مباحثات به دستاوردهاى خود اكنون دچار سردر گمى هاى بسيارى شده است. با تضعيف فرهنگ و تمدن اسلامى در قرون وسطى و استىلاى علمى خود كه وامدار تمدن اسلامى بود و پس از غارت ثروت ملل بخصوص آسيا و آفريقا در سده هاى گذشته و استحكام پايه هاى سرمايه دارى براى جوامع بشرى خواب هاى زيادى ديده و نقشه هاى استعمارى زيادى ترسيم كرده اند. يكي از اين نقشه ها، نقشه تقسيم كار توليد و اشتغال است. در اين نقشه فعاليت هاى كار طلب، آلوده كننده محيط زيست، انرژى بر، كم توان از نظر فناورى و غير راهبردى را سهم كشور هاى توسعه نيافته و در عوض صنايع با فناورى بالا (هاى تك¹)، سازگار با زيست بوم، سرمايه طلب، انرژى اندوز، پيچيده و راهبردى را براى خود برداشته اند. لذا طبق همين نقشه هرگز حاضر نيستند كشورى مثل ما از فناورى هاى بالا برخوردار باشد. البته يكي از دلايل ممانعت آنها از دستيابى ما همين مسئله است. آنچه كه از بيانات حضرت امام خمينى (سلام الله عليه) آشكار است ايشان با علم شهودى فروپاشى تمدن غرب را نه تنها پيش بينى بلكه بشارت داده اند. شكى نيست كه اين برحذر داشتن، نشان از شكست عنقریب اين تمدن در ديده گاه آن مرشد كبير بوده است. در سه دهه گذشته پس از پيروى انقلاب اسلامى مرتباً خطر شبیخون فرهنگى و تبعيت از بى ارزش هاى ضد ارزش فرهنگ غرب در بيانات حضرت امام و بخصوص رهبر عظيم الشان انقلاب اسلامى به مردم و مسئولين هشدار داده شده است. يكي از تبعات بسيار خطرناك اين فرهنگ فرومايه پاشيدن نظام خانواده است. تبعاً عدم تمكين به نظام زندگى مشترك و تربيت فرزند نيز حاصل اين لابلگري است. لذا ملاحظه مى شود كه نرخ رشد جمعيت در كشور هاى غربى بسيار كم، صفر و گاهى به مرز خطرناك منفى رسيده است. با حاكميت روز افزون نظام ربوى و روابط اقتصادى ناسالم بخصوص در لايه هاى مجازى اقتصاد و در بازار سرمايه



و پول، بحران اقتصادی و مالی غرب در اواخر سال ۲۰۰۸ علائم توخالی بودن این تمدن را هرچه بیشتر آشکارتر نمود. اما از این شاخص بزرگ مهمتر و سنگین تر، نخ نما شدن «تناقض توسعه‌ای» بزرگتری به نام سرمایه انسانی است. در تقسیم کار فوق الذکر عامل نهفته در الگو، برخورداری از نیروی فکری جوان برای ایفای نقش مهم تولید محصولات فکری با فناوری بالا(های تک) است. در واقع شرط موفقیت مستمر در این نقشه راه و تقسیم کار برخورداری از نیروی فکری شاداب و فعال است و راه برخورداری از این عامل مهم تولید، بالابودن نرخ تولد است و این مسئله نیز منوط به استحکام خانواده و تقید به زندگی خانوادگی مشروع و مسئولیت پذیری خانوادگی زنان و مردان است. زیرا در این الگو عامل اصلی رشد برخورداری از جمعیت جوان برای تولید علم، ابداع و نوآوری و بهره‌وری است. کاهش رشد جمعیت در این کشورها خبر از به بن بست رسیدن این الگو و نشان از تناقض توسعه‌ای دیگر در ارکان تمدن غرب است. در دو دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تاثیر گذاری فرهنگ و نظام هدایت اسلامی استحکام خانواده تجلی بهتری یافت. افزایش باروری و رشد نسبت جمعیت جوان عامل مهمی در افزایش رشد فناوری و نوآوری در کشور ما بوده است. با توجه به اینکه افزایش رشد علمی و فناوری یک متغیر تابع با وقفه از افزایش باروری و جوان شدن جمعیت است لذا آثار رشد متوسط سالانه ۳/۶ و ۳/۵ و ۴/۶۷ و حتی ۲/۱۴ سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ با تاخیر اثر خود را هم‌اکنون در بازدهی فناوری کشور گذاشته است. البته رشد فناوری و علمی تابع متغیرهای زیادی است. یکی از این متغیرها جوان بودن جمعیت است که شاخصی از نشاط و انرژی و خلاقیت است که شرط لازم رشد علمی، فناوری و بهره‌وری در سرمایه انسانی است. این موضوع مورد تایید محققین زیادی از جمله کینسلا و فیلیپس قرار گرفته است.

جدول ۱- جمعیت و سهم سالمندان							
سال	جمعیت	درصد رشد سالانه جمعیت	سالمندان +۶۰	درصد افزایش	نسبت سهم	جمعیت جوان ۰-۱۴	نسبت سهم
۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴		۱۱۸۳۹۸۲	۳	۶.۲	۷۹۹۸۸۸۵	۴۲.۲
۱۳۴۵	۲۵۰۷۸۹۲۳	۳.۶	۱۵۸۸۰۴۲	۳.۳	۶.۵	۱۱۵۶۱۳۸۳	۴۶.۱
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۳.۵	۱۷۷۰۶۱۴	۵.۲	۵.۲	۱۵۰۰۰۳۹۱	۴۴.۵
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۴.۶۷	۲۶۷۲۱۱۵	۵.۲۵	۵.۴	۲۲۴۹۷۴۷۹	۴۵.۵
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۲.۱۴	۳۹۷۸۱۲۷	۶.۶۲	۶.۶	۲۳۷۲۱۹۱۷	۳۹.۵
۱۳۸۵	۷۰۴۵۵۷۸۲	۱.۷۳	۵۱۲۱۰۴۳	۲۸.۷	۷.۳		۲۵.۱
۱۳۹۰	۷۵۱۴۰۰۰۰	۱.۳۲	۵۶۷۰۰۰۰	۱۰.۷	۷.۵		۲۳.۴

منبع: سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵ الی ۱۳۹۰

تعاریف و مفاهیم

بخش مجازی و حقیقی اقتصاد

از دیدگاه برخی از اقتصاددانان چون جوانت کنستانتین (۲۰۰۸، ۴۳) «اقتصاد مجازی (و یا گاهی اوقات اقتصاد مصنوعی) یک اقتصاد نوظهور در جهان ماندگار مجازی موجود است، که معمولاً مردم در این محیط به قصد یک بازی تفریحی و نه از سر ضرورت، وارد اینترنت می شوند. با این حال برخی از مردم با این اقتصاد مجازی به منظور کسب سود اقتصادی واقعی ارتباط برقرار می کنند. واژه‌هایی مانند بانکداری مجازی، تجارت مجازی، آموزش مجازی، دولت مجازی، پول، خدمات و بسیاری از واژه های دیگر با پسوند مجازی در حال حاضر بسیار استفاده می شوند. در این مفاهیم در مقابل پدیده حقیقی آن کمرنگ شدن حضور فیزیکی عوامل مرتبط و جدایی از دنیای یک‌بعدی و سنتی انسان و تبدیل آن به دنیای سه‌بعدی منظور است. مثلاً طبق تعریف در یک بازار مجازی، فروشنده و خریدار حضور ندارند بلکه به وسیله واسطه‌ها و اطلاعات الکترونیکی تجارت می کنند. در اینجا منظور از اقتصاد مجازی آن بخش از اقتصاد است که عناصر حقیقی اقتصاد چون بخش تولید کالا و خدمات ضروری مورد نیاز، سرمایه فیزیکی، عوامل انسانی دخیل در فرآیند تولید و توزیع کالاهای حقیقی و خدمات ضروری مورد نیاز حضور ندارند. لذا با این تعریف معنای مورد استفاده در این گزارش تحقیقی یعنی «بخش حقیقی اقتصاد» نیز به



شیوه برهان خُلف مشخص می‌شود. در بخش‌های بعدی توضیح بیشتری داده می‌شود. این تعبیر در نوشته‌های محققین دیگر نیز تلویحاً و کمابیش استفاده شده است. به عنوان مثال می‌توان به کار رامونا پوپا (۲۰۰۹، ۱۰۵-۱۰۴) اشاره کرد. همچنین در گزارش انستیتو سرمایه (۲۰۱۳، ۱۰) می‌خوانیم: «در طول چند دهه گذشته افزایش قابل توجهی در مقدار، پیچیدگی و سرعت گردش سرمایه مالی و پول در گردش سیستم مالی جهانی وجود داشته است و بسیاری از این افزایش ناشی از استفاده از ابزارهای جدید و بسیار قوی‌تر مالی بوده است. مقدار سرمایه و گردش مالی در این اقتصاد مجازی در حال حاضر بسیار بیشتر از مقدار در سیستم اقتصاد واقعی که در آن تولید و توزیع جریان دارد و محصولات، کالاها و خدمات رد و بدل می‌شوند، وجود داشته است. در حال حاضر تخمین زده می‌شود که تولید جهانی (GWP) در اقتصاد واقعی ۷۵ تریلیون دلار است در حالی که مقدار پول در اقتصاد مجازی چند برابر عددی مضربی از آن است..» ملاحظه می‌شود که از دیدگاه این موسسه اقتصاد مجازی صراحتاً بازار پول و خلق پول و سفته بازی است. همینطور از دیدگاه سونگ زئو زیانگ (۲۰۱۳، ۲۰): «تعریف عدم تعادل جهانی: دو پدیده واگرایی^۱ است. اول واگرایی اقتصاد مجازی (یا اقتصاد مالی) از اقتصاد واقعی در سطح جهانی است، یعنی نرخ رشد اقتصاد مجازی بسیار بالاتر از نرخ رشد اقتصاد واقعی بوده است. دوم واگرایی جغرافیایی مرکز ایجاد ثروت واقعی از مرکز ایجاد ثروت مجازی است. این مرکز ایجاد ثروت واقعی (یا مرکز تولید) به تدریج به کشورهای در حال ظهور (به خصوص چین) منتقل شده است.» با این حال، پول جهانی و مرکز مالی هنوز هم در کشورهای توسعه یافته (به ویژه ایالات متحده آمریکا)، باقی مانده است که در تقسیم جهانی کار، توزیع جهانی درآمد، بحران مالی، و سیاست‌های اقتصاد کلان اساسی‌ترین پیامدها را دارد.

پیشینه بحث

گزارش‌ها و نوشته‌های پژوهشی زیادی در باره دو چالش بزرگ تمدن سرمایه‌داری غرب منتشر شده است. وجه مشترک این دستاوردهای علمی ارتباط و تاثیر دوسویه این دو چالش در همدیگر و بر شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورهای متبوع، ایالات متحده آمریکا و بویژه اروپای غربی است.

۱ - Divergence به معنی فاصله گرفتن ممتد و فزاینده



بحث علل، عوامل، ریشه ها و آثار بحران پیری جمعیت

مشکل اصلی بشر جهل مرکب اوست. در مواضعی نیز که پی به مسئله می برد و آگاه می شود افراط و تفریط پیشه می کند. اصولاً معضل کنونی فرآیند پیری جمعیت در کشورهای توسعه یافته، بخصوص اروپا، از القانات متفکرانی مانند مالتوس شروع می شود، که اعتقاد داشت تولید غذا به شیوه حسابی و جمعیت به شیوه تصاعدی هندسی رشد می کند و پیش بینی می کرد که بحران گرسنگی به وجود بیاید. «توصیه مالتوس بر پذیرش جلوگیری از زاد و ولد به منظور به تعویق انداختن بحران و یا حذف بحران بود. البته این تئوری با ورود بازده فرایند به مقیاس و افزایش سطح تکنولوژی و در نتیجه افزایش بهره وری از واحدهای ثابت موضوعیت خود را از دست داد» (حسینی، ۱۳۸۳: ۸۹). اما نگرانی های اخیر باید تابع شرایط مختلفی باشد. که یکی از قدیمی ترین عوامل «عدم تکافوی منابع طبیعی خدادادی برای تامین نیازهای جمعیتی» است. ولی اگر همین عامل ریشه یابی شود ریشه در مبانی معرفت شناختی علم اقتصاد مبتنی بر آموزه های اقتصاد سرمایه داری دارد. در تعریف پایه از علم اقتصاد تصریح می شود که علم اقتصاد عبارت است از علم تخصیص منابع محدود به نیازهای نامحدود انسان. از منظر اعتقادات اسلامی و قرآنی، اساس این تعریف اشکال دارد (مدرسی، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۵).

توصیه به افزایش تعداد فرزند بر اساس آموزه های دین مبین اسلام در دهه اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی بسیار رایج شد. ولی در عمل متاسفانه شعار «فرزند کمتر زندگی بهتر» توسط برخی از متولیان امر که آشنا و متخلق به مبانی معرفت و الگوی اسلامی نبودند طرح و در عمل تا حدودی پیاده شد. متاسفانه در مجامع علمی نیز با تقلید کور کورانه از الگوی استعماری غربی به این پدیده شوم دامن زده شد. با این حال به اعتقاد بسیاری از پژوهشگران علت افزایش جمعیت در دهه اول تنها ناشی از اجرای توصیه نیست و همینطور علت کاهش جمعیت در دهه اخیر نیز نمی تواند ناشی از سیاست های غلط برخی از متولیان امر باشد. ۹. صرف نظر از دلایل کاهش و یا افزایش باروری و مرگ و میر و تغییر جمعیت که موضوع بحث در اینجا نیست، وقوع عارضه کاهش رشد و باروری جمعیت در کشور ما به مرز خطرناکی رسیده است که تا سال ۱۴۱۵ به صفر می رسد. (آمار مرکز بهداشت استان قم) این در شرایطی است که برای جلوگیری از کاهش و پیری جمعیت باید نرخ رشد جمعیت حداقل به ۲/۱ درصد در سال برسد. صرف نظر از اینکه



تقلید کورکورانه از الگوی غربی که خود را در قالب افکار منسوخ شده مالتوسی در کشور ما نشان داد ریشه در خودناباوری دینی و اعتقادات سکولار و غرب زدگی دارد، متأسفانه دچار ضعف بنیان علمی نیز بوده و هست. زیرا از امکان پیشرفت علمی برای بهره برداری فزاینده از منابع و تامین جمعیت مطابق با بخش ایجابی قانون بازده نزولی یعنی بازدهی فزاینده به مقیاس عامل سرمایه با پیشرفت فناوری غفلت داشت.

در این خصوص دوزورنه می‌گوید: «در گذشته راه حل عدم توازن بین نرخ رشد غذا و نرخ رشد جمعیت به بازنگری در نرخ رشد جمعیت بر می‌گشت تا به تلاش برای شتاب بخشی به فرآیند توسعه، رشد جمعیت عنصری زشت تلقی می‌شد که مسئول عدم توازن است و از آن رو مداخله جهت کنترل آن مشروعیت یافت. چنین مداخله‌هایی همگی موجه می‌نمودند، چرا که در نبود کنترل داوطلبانه، می‌توان انتظار داشت که مرگ و میر برای برقراری مجدد توازن از دست رفته، افزایش یابد. نتیجه این بود که هر چه جمعیت افزایش می‌یابد، غذا هم افزایش خواهد یافت. اما چون نرخ رشد غذا کمتر است معیار زندگی همیشه در سطح حداقل معیشتی ثابت می‌ماند. دلیل این امر آن است که مرگ و میر جمعیت را به حدی خواهد رساند که بتواند در یک سطح معین از بهره‌وری کشاورزی تغذیه شود.»

بعد بسیار مهم دیگر در نظریه مالتوسی فکر‌دهایی بود که رسیدن به آن، کنترل و جلوگیری را ناگزیر می‌کند. مسئله حدود، بویژه با توجه به نگرانی پدید آمده برای حمایت از محیط و آگاهی از این نکته که منابع همیشه تجدید شونده نیستند، محور بحث‌های مختلفی قرار گرفت. این ماجرا عنصری از فوریت دارد که نه تنها بحث‌ها را داغتر می‌کند، بلکه مداخله‌های حادث‌تر را نیز توجیه می‌کند. مجدداً فکر حدود توجه را بیشتر به سمت عامل جمعیت به عنوان مهم‌ترین و آسانترین عامل مداخله‌پذیر جلب می‌کند و به ارتقا و تسریع توسعه واقعی نمی‌نهد.

در طول قرن نوزدهم، یعنی زمانی که رشد جمعیت در اغلب کشورهای اروپایی سریع بود، راه‌گریز از دام مالتوسی در مهاجرت‌های بیرونی و استعمار دیده می‌شد. در درون اروپا بحث از توازن جمعیت-غذا به بحث در باب توان بین ملل و امکان بسط اقدامهای نظامی و ملی گرا مبدل شد (دوزورنه، بی‌تا، ۷۴-۷۳).

بی‌تردید عوامل مختلفی چون رفاه زدگی، فقر، پیشرفت بهداشت و درمان، تزلزل خانواده، سیاست‌های کمی کنترل جمعیتی از طرف دولت، سیاست‌های کیفی کنترل

مانند سياست‌هاى پوششى بيمه، ماليات، يارانه، اشتغال زنان و غيره نقش بسزايى در كنترل مواليد و كاهش مرگ و مير و افزايش شاخص اميد به زندگى داشته‌اند. به دنبال رشد و توسعه، «پديده انفجار جمعيت، در اروپا نزديك به حدود ۱۰۰ سال رخ داده و پس از آن سير زاد و ولد در اروپا، روند كاهشى به خود گرفته، به نحوى كه آهنگ رشد زاد و ولد كمتر از آهنگ رشد مرگ و مير بوده و لذا در سالهاى اخير آهنگ رشد جمعيت در كشورهاي اروپايى رقمى نزديك به صفر و يا حتى در برخى مواقع منفى بوده است. تحليل‌هاى موجود مراكز مطالعات راهبردى غرب بيانگر آن است كه اروپاى آينده يك اروپاى با ساختار جمعيتى پير بوده و لذا از هم اكنون سياست‌هاى افزايش جمعيتى را با انواع تدابير جذاب در پيش گرفته‌اند. لکن واكنش مثبتى به اين سياست‌ها از سوى اروپاييها نشان داده نشده است» (حسينى، ۱۳۸۳: ۱۱۲). افزايش متوسط سن جمعيت نگرانى‌هاى شديدى را براى غرب بوجود آورده است. پديده پيرى جمعيت يك مشكل فراگير و جهانى است و تنها به كشورهاي اروپايى و پيشرفته محدود نمى‌شود. آمار اداره جمعيت سازمان ملل پيش بينى جالب توجهى براى دهه‌هاى آينده منتشر کرده که در نمودار شماره ۱ ملاحظه مى‌شود:

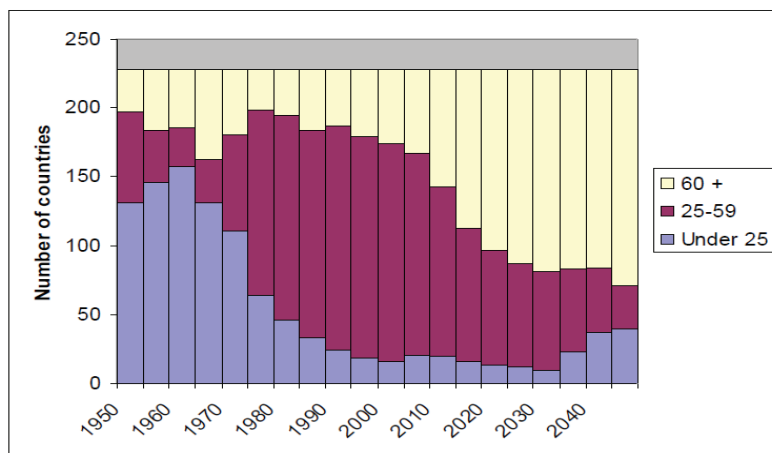


Figure 1. Distribution of countries by phase in age transition. Countries classified based on age group with greatest increase in population. Source: UN Population Division (2009).

شکل - ۱ - توزيع سنى جمعيت در دهه‌هاى ۱۰۵۰ تا دهه ۲۰۵۰ ميلادى براى بيش از

۲۳۰ کشور



همانطور که مشاهده می‌شود نسبت جمعیت ۶۰ سال به بالا در سال ۲۰۰۰ به بعد مرتباً رو به افزایش خواهد بود و در سال ۲۰۵۰ به بیش از ۷۰ درصد جمعیت دنیا خواهد رسید. الاستیر گری (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که پیر شدن جمعیت در کشورهای اتحادیه اروپا هزینه‌های اجتماعی، بازنشستگی، مراقبت‌های بهداشتی و سلامت را تا سال ۲۰۵۰ در حدود ۵۰ درصد افزایش خواهد داد. این هزینه‌ها در سال ۲۰۰۰ از ۱۹٪ تولید ناخالص داخلی به ۲۶٪ در سال ۲۰۵۰ افزایش خواهد داد. وایفل و همکاران و گری و سِشامانی (۲۰۰۴) نیز با کار مشابه و داده‌های کاملتر نیز به نتایجی مشابهی دست یافته‌اند. (گری، ۲۰۰۵: ۱۸-۱۵) هاجیست و کتلیکف (۲۰۰۵) ولی و مایلر نیز به ترتیب به نتایج مشابهی از اثر پیری جمعیت بر هزینه‌های خدمات عمومی برای اروپا و آمریکا دست یافتند. لی و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود در می‌یابند که اولاً کشورهای در حال توسعه که ثروتمند می‌شوند دچار پیری جمعیت هستند. پیری یک پدیده جهانی است و تا سال ۲۰۱۵ در نیمی از کشورها افراد ۶۰ سال به بالا افزایش خواهند یافت. پیری هزینه‌های بازنشستگی و بهداشتی را افزایش داده است.

چشم انداز پیری جمعیت دو عارضه مهم و مشهود دارد:

- ۱- برای کشورهای پیر رسیدن به درآمد بالا مشکل است.
- ۲- تامین نیاز جمعیت سالمند برای کشورهای کم و متوسط درآمد بسیار مشکل است. یکی از دلایل آن کاهش بهره‌وری و بازدهی سرمایه انسانی و نهایتاً رشد اقتصادی است. لی و میسون (۲۰۰۹) استنباط می‌کنند که کاهش باروری و پیری جمعیت یک مبادله بین کیفیت و کمیت در سرمایه بشری است که نتیجه انتخاب خانواده است. رقابتی بین یک جمعیت پیر و جوان در جلب سرمایه‌گذاری عمومی است. عارضه پیری در گزارش آماری نیروی کار آمریکایی‌های مسن تر تصویر بهتری از عارضه پیری جمعیت در این کشور مدعی تمدن و عقلانیت و هدایت ملل است. نرخ مشارکت کار سالمندان ۵۵ سال به بالا از ۳۲/۴ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۴۰/۷ درصد در دسامبر ۲۰۱۲ رسیده است. همزمان نرخ بیکاری در دو مقطع زمانی فوق‌الذکر از ۴ به ۷/۸ درصد رسیده است. مجدداً نرخ بیکاری سالمندان ۵۵ سال به بالا در دو مقطع فوق‌الذکر از ۲/۶ درصد به ۵/۹ درصد رسیده است. مقایسه این ارقام دال بر بهره‌کشی بیشتر از افراد مسن تر به دلیل پیر شدن جمعیت. در گزارش آپس و همکاران (۲۰۰۷)، درباره کشور استرالیا

نيز با توجه به عارضه پيرى جمعيت ۴ و ۵ دهه گذشته در اين کشور و افزايش نسبت وابستگى سالمندان ۱ بر معضل بزرگ افزايش هزينه‌هاى خدمات عمومى، بهداشتى و بازنشستگى و افزايش فشار هزينه بر شاغلين تاکيد شده است. جانسون و پارک مى‌گويند از زمان وقوع رکود بزرگ (سال ۲۰۰۸) نسبت نيروى اشتغال به جمعيت برآى سنين ۵۵ سال به بالا در سال ۲۰۱۲ نسبت به سال ۲۰۰۷ از ۳۱/۵ به ۳۸/۴ درصد رسيده است (جانسون و پارک، ۲۰۱۲: ۷-۱). کارونه و همکاران با استفاده از مدلى اثر افزايش سن جمعيت در بازار کار را با استفاده از دو متغير سن و جنس برآى ۲۵ عضو اتحاديه اروپايى تا سال ۲۰۵۰ پيش بينى نموده اند. پيش بينى‌ها حاكى از چالش‌هاى بزرگ برآى اين اتحاديه است. از جمله کاهش استانداردهاى زندگى، کاهش بهره‌ورى، سهم بيشتتر سالمندان و کاهش سهم جمعيت فعال، مهاجرت خالص به اتحاديه. کميسيون اروپايى تخمين مى‌زند که رشد توليد ناخالص داخلى با افزايش سن در ۱۵ عضو اتحاديه ۰/۴ پايين تر از آمريکا در فاصله سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۵۰ خواهد بود و برآى کشورهايى چون آلمان، فرانسه و ژاپن اين کاهش به ۰/۲- تا ۰/۳- درصد خواهد رسيد که شکاف استانداردهاى زندگى را به شدت افزايش خواهد داد. اين در شرايطى است که نرخ بارورى ۲۵ عضو اتحاديه اروپا در سال ۲۰۰۴ به ۱/۵ درصد رسيده است که نسبت به نرخ مناسب جاگزينى طبيعى يعنى ۲/۱ درصد بسيار پايين است. از دلايل ساختارى اين کاهش زاد و ولد، کنترل مواليد، تحصيلات زنان، مشارکت زنان در نيروى کار، تغيير الگوهاى خانواده و نگرش به زن همانند مرد به عنوان يک نيروى کار بوده است (کارونه و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۵-۵).

بحث علل، عوامل، ريشه‌ها و آثار بحران مالى اقتصاد سرمايه‌دارى

با وجود اينکه از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۷ بيش از ۱۲۴ بحران بزرگ در کشورهاى سرمايه‌دارى شکل گرفته و همه آنها نيز پشت سر گذاشته شده‌اند ولى به نظر مى‌آيد بحران بزرگ سال ۲۰۰۸ ماهيت ديگر و عمق بسيار بيشتري دارد. جوزف استيگليتز در پيشگفتار کتاب خود مى‌نويسد: «در بحران بزرگى که در سال ۲۰۰۸ آغاز شد، ميليون‌ها نفر در امريکا و در سرتاسر جهان خانه‌هاى شان و کارهاى شان را از دست دادند. بسيارى بيش تر در



هراس و نگرانی از بروز چنین وضعیتی بودند و تقریباً هرکس که پولی برای بازنشستگی یا آموزش کودکان کنار گذاشته بود دید که این سرمایه‌گذاری به‌مرور به کسری از ارزشش کاهش یافته است. بحرانی که در امریکا آغاز شد زود جهان را دربرگرفت، چنان که در سرتاسر جهان میلیون‌ها نفر شغل‌شان را از دست دادند - تنها ۲۰ میلیون نفر در چین - و صدها میلیون نفر به ورطه فقر افتادند. قرار نبود چنین باشد. اقتصاد مدرن، با ایمانش به بازارهای آزاد و جهانی‌سازی، رفاه همگان را وعده کرده بود. تصور می‌شد «اقتصاد نو» - نوآوری‌های حیرت‌انگیزی که ویژگی نیمه اخیر سده بیستم بود، از جمله مقررات‌زدایی و مهندسی مالی که در بوق و کرنا شده بود، قادر است با مدیریت بهتر خطر، چرخه اقتصادی را به پایان برساند. اگر آمیزه اقتصاد نو و علم اقتصاد مدرن نوسانات اقتصادی را حذف نکرده، دست‌کم آن را مهار می‌کرد. یا به ما چنین گفته شد. افت بزرگ - که به‌روشنی بدترین سقوط از پی رکود بزرگی بود که هفتاد سال قبل رخ داد - این توهمات را درهم شکسته است. این افت ما را وامی‌دارد که در دیدگاه‌هایی که مدت زمان درازی است درست شمرده شده بازنگری کنیم. یک ربع قرن؛ برخی آموزه‌های بازار آزاد حاکم بود: بازارهای آزاد و بی‌قید کارآمد هستند؛ اگر خطا کنند، به‌سرعت آن را تصحیح می‌کنند. بهترین دولت، دولتی کوچک است و مقررات تنها برای نوآوری مانع می‌تراشد. بانک‌های مرکزی باید مستقل باشند و تنها بر پایین نگه‌داشتن تورم بکوشند. امروز حتی آلن گرینسپن، رییس هیئت مدیره فدرال رزرو، اسقف اعظم آن ایدئولوژی در طی دوره‌ای که این دیدگاه‌ها حاکم بود، پذیرفته است که نقصی در این استدلال است. اما اعتراف او برای بسیاری که در نتیجه این سیاست‌ها آسیب دیده بودند خیلی دیر بود. « بنا به اعتراف بسیاری این بحران از نظر ساختاری جامع‌ترین نشان از شکست شیوه نظام اقتصاد و تولید سرمایه‌داری و نئولیبرالیسم است که تاکنون ایجاد شده است. اثرات چند جانبه اجتماعی، انسانی و زیست محیطی و اقتصادی دارد. بحران‌های بزرگ قبلی همچون در دوره ۱۸۷۳ - ۱۸۹۵ و ۱۹۲۹ - ۱۹۳۳ و دهه ۱۹۷۰ تنها در برخی از کشورهای سرمایه‌داری که جمعیت آنها کمتر از یک چهارم از کل جمعیت جهان بود و کشورهای سرمایه‌داری هنوز مجال فراقکنی معضلات خود به فضای خارجی و نفوذ به بازار خارجی برای گسترش بازار خود داشتند، اتفاق افتاده است و لذا مجال بهتری برای بهره‌برداری بیشتر از منابع طبیعی و نیروی کار در اختیار داشتند. اما با گستره جهانی



اين بحران، چنين فرصتى ديگر براى آنها وجود ندارد. لذا ملاحظه مى شود كه جايى در بين كشورهاي عضو اتحاديه اروپا، آمريكا و سايرين براى جذب سررئز نيروى كارى كه بيكار شده و سهامى كه ارزشش را از دست داده و غيره وجود ندارد. بازارها همه به مرز ركود و اشباع ناشى از آن رسيده و همه مستاصل شده اند. در زمينه علل و آثار و عوارض بحران مالى - اقتصادى دنياى سرمايه دارى گزارش هاى تحقيقاتى زيادى منتشر شده است. ويتور كنستانسيو معاون رئيس بانك مركزى اروپا (۲۰۱۳) مى گويد «به نظر من عامل اصلى بحران در بخش مالى واقع شده بود، به خصوص بانك ها كه به واسطه تحريف جريان عظيمى از سرمايه هاى بزرگ به سمت حاشيه عدم تعادل غير قابل تحملى را ايجاد كردند و اين به دنبال يك وقفه ناگهانى بحران بين المللى و به دنبال يك تجديد وضعيتى از قيمت ريسك به وجود آمد كه به اين امر كمك كرد. بحران ريشه در دو عامل داشت: يكى بى انضباطى مالى و ديگرى افزايش دستمزدها و قيمت و زيان ضمنى رقابت پذيرى در بازار كه منجر به بحران عدم تعادل در تراز پرداخت ها شد. اين مسلم است كه عوامل ديگرى نيز در بحران نقش داشته اند. اما مهمترين اين عوامل عبارتند از: فقدان يك تنظيم كننده قوى براى ممانعت از افزايش قدرت نفوذ در سيستم مالى، رژيم هاى نامشخص بانكى همراه با گسترش و ترويج فعاليتهاى ضد اخلاقى در بخش بانكدارى و شكست در تعدادى از حوزه هاى قضايى منطقه يورو براى اعمال سياست هاى مالى ضد ادوارى مناسب و عدم انجام اصلاحات ساختارى با هدف بهبود رقابت.» وى در سخنرانى خود به آمارى از بانك مركزى اروپا استناد مى كند تا يكى از دلایل و آثار يعنى افزايش نسبت بدهى بخش عمومى و بخش خصوص در طول فاصله زمانى سال ۱۹۹۹ و ۲۰۰۷ و عمق فاجعه بحران را نشان دهد (جدول شماره ۲).



جدول ۲- رشد نسبت بدهی بخش عمومی و خصوصی منطقه یورو، یونان، ایتالیا، اسپانیا، پرتغال و ایرلند بین سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۷

Growth of public and private debt ratios to GDP

	Public Sector Debt Ratio (% of GDP)			Private Sector Debt Ratio (Variation in %)
	1999	2007	Δ 99-07 In %	Δ 99-07 In %
Euro Area	71.7	66.4	-7.4	26.8%
Greece	94.9	107.2	13.0	217.5%
Italy	113.0	103.3	-8.6	71.2%
Spain	62.4	36.3	-41.8	75.2%
Portugal	51.4	68.4	33.0	48.9%
Ireland	47.0	25.0	-46.8	101.0%

1

EUROPEAN CENTRAL BANK
www.ecb.europa.eu

منبع: European Central Bank, www.ecb.europa.eu

ایشنگرین و اورور که (۲۰۰۹) می‌نویسند: «بحران مالی که در سال ۲۰۰۷ آغاز شده است در تاریخ اقتصادی بعد از جنگ بی سابقه است.» این بحران بزرگ پس از یک دوره طولانی از رشد سریع اعتبارات، اجرت‌های کم خطر، حجم نقدینگی شدید و گسترش حساب املاک و مستغلات اتفاق افتاد. گسترش حجم اعمال نفوذ وسیع موسسات مالی در بازارهای دارایی به شدت آسیب پذیر. در نتیجه، رکود در گوشه‌ای نسبتاً کوچک از سیستم مالی (بازار وام‌های بی‌پشتوانه آمریکا) برای سرنگونی کل ساختار کافی بود. مشابه این رخداد بزرگ قبلاً (به عنوان مثال ژاپن و کشورهای شمال اروپا در اوایل دهه ۱۹۹۰، بحران آسیایی در اواخر دهه ۱۹۹۰) نیز اتفاق افتاده است، اما آنها تا حد زیادی در سطح و محدوده منطقه‌ای باقی ماندند. تفاوت مهم این بحران این است که، مانند دوران رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰، بحران فعلی یک بحران گسترده جهانی است. (سزکلی و نورد، ۲۰۰۹). تعبیر خطرناکترین شوک اقتصادی پس از بحران دهه ۱۹۳۰، تعبیری است که اصولاً توسط صندوق بین‌المللی پول استفاده شده است (INSG, 2008). ایشنگرین و اورور که (۲۰۰۹) در گزارش خود به آثار بحران به‌طور مفصل پرداخته‌اند و برخی شاخص‌ها را با بحران سال ۱۹۲۹ مقایسه می‌کنند. از جمله آنها به چند مورد اشاره می‌شود:



- کاهش توليد صنعتى در نه ماه گذشته (از اول بحران) دست كم به شدت نه ماه پس از اوج بحران ۱۹۲۹ بوده است.

- سرعت بيشتر و سريعتر عرضه پول و انبساط پولى در ۱۹ کشور بحرانزده در بحران سال ۲۰۰۸ از انبساط پولى در بحران ۱۹۲۵-۱۹۲۹

- شدت وسرعت بيشتر افت تجارت بين کشور ها در بحران ۲۰۰۸ نسبت به بحران ۱۹۲۵-۱۹۲۹

- فرايند فزاينده كسرى مالى ۲۴ کشور بحران زده در بحران ۲۰۰۸ نسبت به بحران دهه ۱۹۳۰ با استناد به گزارش صندوق بين المللى پول .

در گزارش INSG 2008 نيز اثر فوق العاده بحران بر زير بخش حقيقى معدن و صنعت و تداوم آن تا مرحله نامشخصى از رشد تقاضا در بازار جهانى تاكيد شده است. در گزارش ديگرى كاستلو و همكاران (۲۰۰۹) تاكيد دارند كه اين بحران توليد بالقوه اتحاديه اروپا را حدود ۵٪ از توليد ناخالص داخلى کاهش مى دهد. همينطور طرف عرضه اتحاديه را تضعيف و بر کاهش بهره ورى كل عامل موثر خواهد بود. رامونا پوپا (۲۰۰۹، ۱۰۵-۱۰۴) در بررسى خود نتيجه مى گيرد «در دوره ۲۰۰۳ - ۲۰۰۷، جريان هاى سرمايه گذارى مستقيم خارجى روند صعودى به خود گرفت. اين روند همراه با حمايت همزمان روند توسعه اقتصادى در سطح جهان بود. با گسترش ليبراليسم اقتصادى و آزاد سازى رژيم هاى جذب سرمايه گذارى هاى خارجى و اقتباس استراتژى جهانى سازى در مقياس بزرگ حجم سرمايه گذارى مستقيم خارجى (DFI) به يك ركورد بالاى ۱,۸ بيليون دلار در سال ۲۰۰۷ منجر شد (UNCTAD DFI, 2009). با وقوع بحران هاى مالى و اقتصادى بين المللى در سال ۲۰۰۸ مشخص شده كه افزايش چرخه سرمايه گذارى هاى بين المللى به پايان عمر خود رسيده است. در سال ۲۰۰۸ جريان سرمايه گذارى مستقيم خارجى در سطح جهانى ۲۰٪ کاهش يافته است. با توجه به تاثير آن بر اقتصاد مجازى، بحران به سرعت از بخش مالى فراتر رفته و اثرات جدى بر اقتصاد واقعى ايجاد کرده است. آمار نشان مى دهد كه کشورهاى توسعه يافته به دليل ولنگارى موسسات مالى و فعاليتهاى سفته بازى و خلق اعتبار و نقدينگى خودسرانه بيشترين تاثير را از بحران سال ۲۰۰۸ گرفتند. جريان سرمايه گذارى مستقيم خارجى در اين گروه از کشورهاى توسعه يافته به ويژه در فنلاند، آلمان، مجارستان و ايتاليا بلکه در بریتانيا، فرانسه، ايالات



متحدہ نسبت به سال ۲۰۰۷ تقریباً ۳۳٪ کاهش یافته است. «این معضل به شرق اروپا نیز سرایت کرده است. به عنوان مثال نیستور لووان و بولیسی ماریا (۲۰۱۳: ۲۸۲ و ۲۸۶-۲۸۷) می‌نویسند: «شاخص سهام بورس بخارست رومانی (BET) در سال ۲۰۰۸، ۶۰ درصد سقوط کرد. این در حالی است که شاخص بازارهای دیگر مانند نزدک^۱، فوتسی^۲، دکس^۳، شاخص صنعتی^۴ نیز به ترتیب ۲۹، ۳۰، ۳۷ و ۳۱ درصد سقوط کردند. بخشی زیادی از سرمایه‌ها از این کشور خارج شد. سود پرداختی بابت هر سهم به شدت سقوط کرد. «دیمیتری پاپادیمیتریو (۲۰۰۹، ۶)، در سخنان خود در کنفرانس می‌گوید: «باید درک درستی از ماهیت و پویایی بحران و مسائلی که در حال حاضر پیش روی نظام بانکداری و سیستم مالی است ارائه داد. امروزه، منابع اصلی تامین مالی بخش خصوصی بانک‌های تجاری و یا سرمایه‌گذاری نیستند، بلکه عوامل خصوصی سرمایه‌گذاری مانند صندوق‌های تامینی، صندوق‌های بازنشستگی و ثروت وجوه، محرک اصلی در واقع پول است. حقیقتاً باید گفت که «پول سرمایه‌داری را مدیریت می‌کند. منابع پولی بسیاری از این عوامل به شدت از طریق تضمین قوی تروام‌های نشأت گرفته از شرکت‌های هلدینگ مالی هستند که شناسایی آنها برای صاحبان ریسک و خطر نهایی دشوار است. علاوه بر این، این ساختار مالی متخلخل اجازه می‌دهد تا از خطوط متعدد از صلاحیت نظارتی همچنان که از مرزهای ملی نیز فراتر می‌روند، عبور کنند. به عنوان نمونه گسترش نظام‌مند بیش از حد وام‌های بدون پشتوانه در آمریکا به سرعت بحران مشهود و جهانی است. بطوریکه به دلیل عدم تعهد موسسات مالی و فقدان نظم و انضباط آنها در بازار، فقدان نظارت و سهل‌انگاری مجرمان اصلی در بانکداری و اختلال مالی ۲۰۰۸ از تور ایمنی دولت عملاً عدول می‌کنند.» لئوناردو بورلاماکیو (۲۰۱۱، ۷) می‌افزاید: «به شما مفهوم دیگری به نام سیستم بانکی مالی سایه معرفی می‌کنم. که در مقابل آن حتماً باید ما نیز یک سیستم نظارتی سایه مورد اعتماد مردم داشته باشیم. مجموعه نظارتی فعلی درک بسیار ضعیف از موسسات دارد، آنها بسیار تاثیرگذار هستند، چرا که با انجام کارهایی ناهنجار هنجارهای به ظاهر استاندارد تنظیم و در مجموعه‌های مختلفی از موسسات، از جمله در نظام مالی اعمال نفوذ می‌کنند. آنها بسیار تاثیرگذار هستند.» وی می‌افزاید:»

1. Nasdaq

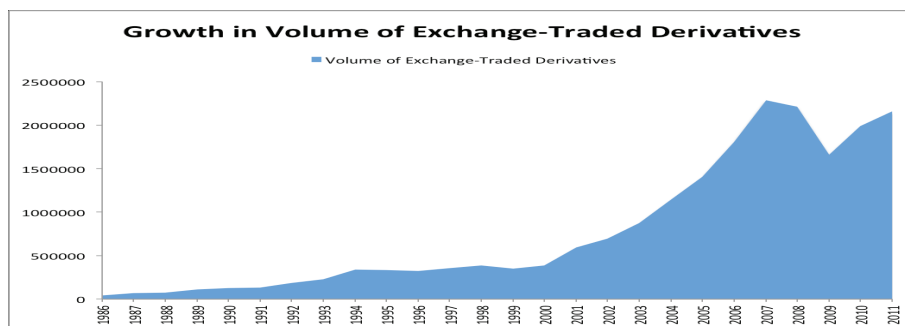
2. FTSE 100

۳. DAX index

۴. index DJ Industrial



در نهایت، امید من این است که یک نقطه کلیدی را که توسط جان مینارد کینز و جوزف شومپیتر قبلاً راجع به ماهیت سیستم نیز طرح شده گوشزد کنم و آن این است که، سرمایه‌داری در اصل یک سیستم مالی است شامل شرکت‌های مالی بدون توجه به آنچه که از لحاظ مالی تولید کنند. از این منظر یک عقل سلیم نمی‌تواند از جدایی بین این نظام مالی و اقتصاد واقعی به سادگی گذر کند. اعتبار مالی، به معنی، بدهی‌ها، دارایی‌ها، مسئولیت‌ها، جریان‌های نقدی و پول نقد، در همه جای سیستم است. اگر ما به این مطلب اذعان داشته باشیم، این باید هسته مرکزی توجه ما را به هر گونه تلاش برای سازماندهی مجدد سیستم اقتصادی به عنوان یک کل و نه فقط سیستم مالی، هم در داخل و هم در سطح جهان رهنمون سازد.» بانک سرمایه (128-129: 2013) درباره حساب ربوی اقتصاد مجازی آمار جالب توجهی ارائه داده است. این بانک در گزارش خود می‌نویسد: «معاملات کوتاه مدت به جای سرمایه‌گذاری بلند مدت در بازار سرمایه جایگزین شده است، که بازتابی از مصیبت کوتاه مدت‌گرایی در اقتصاد و نتیجه سردرگمی از وسایل و اهداف است. توجه فوق‌العاده‌ای به کسب و کار تجارت ثانویه پرداخت می‌شود و اهمیت آن روبه‌روز افزایش یافته است. در شرایط بی‌ثباتی در سراسر جهان، شاهد رشد نمایی بازارهای سرمایه جهانی، و استراتژی‌های تجارت سوداگرانه هستیم که سرمایه‌گذاری اساسی بلند مدت در برابر این رشد غرق شده‌اند. مبادلات وحشت‌آور برای سود و حاکمیت یک ایدئولوژی نظارتی حداقل مداخله و با سقوط فلش‌های متعدد و در نتیجه از دست رفتن اعتماد به نفس سرمایه‌گذاران و اعتماد عمومی به سیستم در بازارها منجر به یک مسابقه تسلیحاتی در فن‌آوری شده که در حال حاضر کل سیستم تجاری ثانویه را تهدید می‌کند. در هیچ کجای اقتصاد رشد معاملات سوداگرانه قطعی‌تر از مشتقات معاملات بورس نیست.» نمودار شماره ۳ این رشد وحشت‌آور در حجم مبادلات در مشتقات بورس را از سال ۱۹۸۶ تا ۲۰۱۱ را نشان می‌دهد: همانطور که ملاحظه می‌شود حجم این مبادلات به بیش از ۵۰ برابر (۵۰۰۰ درصد) رسیده است (نمودار شماره ۳).



Source: Capital Institute analysis of Bank of International Settlement Quarterly Review, March 2012: Capital Institute, p.129. به نقل از :

سونگ زئو زیانگ (۲۰۱۳، ۶) می‌نویسد: «از سال ۱۹۷۱، نرخ رشد پول ذخیره بین‌المللی بسیار بالاتر از نرخ رشد بخش اقتصاد حقیقی جهانی شده است. در نتیجه آن نرخ تورم انباشته شده در سیستم اقتصادی جهانی در چهار دهه گذشته بیش از نرخ تورم انباشته در تمام تاریخ انسان بوده است» نامبرده در ادامه گزارش خود به استناد به گزارش صندوق بین‌المللی پول و تحقیق مادیسون و گرینسپان می‌افزاید که در طول سالهای ۱۹۷۱ تا سال ۲۰۱۱ حجم ذخایر پولی بین‌المللی ۱۷۰ برابر شده این در حالی است که نرخ رشد بخش حقیقی اقتصاد تنها ۴ برابر شده است و این تأیید رشد حسابی و افسارگسیختگی بخش پولی و مجازی اقتصاد را نشان می‌دهد. «در جایی دیگر می‌افزاید: «مارتین ولف می‌گوید: «این کوه بزرگ و رو به رشد از دارایی‌های مالی نشان دهنده وعده‌های آینده، ولی اغلب مشروط، رسیدی در ازای پرداخت فعلی هستند. اقتصاد مدرن، پیچیده و پویا بر اهرامی از وعده استوار است. «با این حال، موضوع وعده‌های مالی نه فقط به اندازه خطراتش قابل محاسبه است بلکه بر پایه و بنیانی از عدم اطمینان استوار شده و به «ناشناخته‌هایی ناشناخته» اعتماد شده است.» به بیان ساده‌تر ارزش‌های اعتباری کاذب با پایه‌ای حسابی و توخالی که با هر بادی سرنگون خواهند شد.

بحث و نتیجه گیری

ابعاد چالش پیری جمعیت

با جمع‌بندی آنچه از نتایج کار محققین در زمینه آثار بحران پیری جمعیت به دست می‌آید می‌توان به چند محور مهم در این بخش اشاره کرد. به طور کلی در گزارش‌های اشاره شده و سایر اسنادی که در اینجا مجال ذکر آنها نیست و به خصوص در گزارش کمیسیون اقتصادی اروپا که حاصل تحقیقات یک گروه شش نفره است و در سال ۲۰۰۵ منتشر شده چند نکته و محور مهم و عبرت آموز مشاهده می‌شود:

اولین عبرت، پیش بینی بسیار بدبینانه نسبت به تداوم فرایند پیری جمعیت است. به طوریکه نرخ باروری^۱ به ترتیب در ۱۰ و ۱۵ و ۲۵ عضو اتحادیه اروپا (EU10, EU15, EU25) از ۱/۲ و ۱/۵ و ۱/۵ درصد در سال ۲۰۰۴ به ۱/۶ درصد در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید که نشان از کاهش جمعیت و افزایش متوسط سنی جامعه اروپایی خواهد بود (جدول شماره ۳ و ۴).

Table 1- Overview of assumptions on demographic drivers

	Fertility rate		Life expectancy at birth				Life expectancy at 65				Migration			
			males		females		males		females		(000's)		% of population	
	2004	2050	2004	2050	2004	2050	2004	2050	2004	2050	2004	2050	2004	2050
EU25	1,5	1,6	75,4	81,6	81,5	86,6	16,3	20,2	19,9	23,6	1343	879	0,3	0,2
EU15	1,5	1,6	76,4	82,1	82,2	87,0	13,5	18,5	17,2	21,2	1347	778	0,4	0,2
EU10	1,2	1,6	70,1	78,7	78,2	84,1	15,9	19,9	19,5	23,3	-3	101	-0,1	0,2

Source: EPC and European Commission (2005).

Table 2 - Projected changes in the size and age structure of the populations of EU Member States, 2004 - 2050

	Total population			Young population (0-14)			Working-age population (15-64)			Elderly population (65+)			Very old population (80+)		
	2004	2050	%	2004	2050	%	2004	2050	%	2004	2050	%	2004	2050	%
	change			change			change			change			change		
EU25	456.8	453.8	-1	74.8	60.4	-19	306.8	259.1	-16	75.3	133.3	77	18.2	49.9	174
EU15	382.7	388.3	1	62.4	52.7	-15	255.1	221.3	-13	65.2	114.2	75	16.3	44.2	172
Euro area	308.6	308.4	0	48.9	40.8	-17	206.5	174.2	-16	53.3	93.4	75	13.0	36.3	180
EU10	74.1	65.5	-12	12.4	8.6	-30	51.7	37.8	-27	10.1	19.1	88	1.9	5.7	193

Source: EPC and European Commission (2005)



اولین عارضه این پدیده خطرناک کاهش نیروی فعال و عرضه کار است. این پیش بینی در دهه ۱۹۹۰ نیز توسط مورو و روجرنیز انجام گرفته و به نتایج مشابه رسیده‌اند. جالب اینکه در این تحقیق وضعیت اروپا و ژاپن به مراتب بدتر از ایالات متحده آمریکا است. خطر این پدیده از زمان تشکیل پول واحد اروپایی (یورو) در بحث در زمینه بودجه مشترک احساس شد و عملاً در سال ۲۰۰۱ با تشکیل یک کار گروه «سالخوردگی ۱» فعالیت در زمینه مقابله با این پدیده آغاز شده است. با مراجعه به بیش از ۷۵ منابع مستند گزارش کارونه و همکاران (کمیسیون اروپا) و گزارش های فراوان دیگری که در این زمینه توسط دیگران در کشور های پیشرفته به خصوص اروپا، استرالیا و آمریکای شمالی منتشر شده، مشخص می‌شود که بحران پیری جمعیت در این جامعه بسیار حاد و نگران کننده است. این نگرانی یک پدیده جهانی برای کلیه کشورها به خصوص کشورهای پیشرفته است که در مسیر توسعه به لحاظ مواجهه با مسائل مستحدثه در خط مقدم برخورد با موانع تداوم رشد و پیشرفت قرار می‌گیرند و لذا طبیعی است که زودتر به نواقص عملکرد مدل‌های توسعه خود پی می‌برند. و اگر خوب دقت شود این سرخوردگی می‌تواند فرصت خوبی برای کشورهایی باشد که هنوز به این مرحله توسعه و رشد نرسیده‌اند و می‌توانند با عبرت از این گذرگاه عبور نکنند و راه بهتری را برگزینند و مدل رشد و مسیر پیشرفت خود را تصحیح کنند. بی تردید نگرانی از پیری جمعیت ناشی از معضل تناقض توسعه است که وقوعش قطعی است.

دومین عبرت اعتراف به آثار مستقیم سالخوردگی روی کاهش عرضه کار، کیفیت نیروی کار، کاهش سرمایه انسانی و افزایش شدت سرمایه ۲ (نسبت سرمایه به نیروی کار)، کاهش بهره‌وری نیروی کار، ابداع، نوآوری و پیشرفت فنی نیروی کار و فناوری و افزایش سهم هزینه‌های عمومی در بودجه اتحادیه است. واضح است که وقتی بیش از ۷۰ درصد نیروی کار را سنین ۱۵ تا ۶۰ سال تامین می‌کنند، پیری جمعیت می‌تواند اقتصاد واقعی را از طریق کاهش در نشاط و انرژی نیروی کار و دیگری از طریق کاهش بهره‌وری تهدید کند. این گزاره در گزارش کمیسیون اروپا تاکید شده است. (کارونه و همکاران، ۲۰۰۵ : ۸ و ۱۳) همینطور شورای عالی تجاری بریتیش کلمبیا (۲۰۰۹) ۱۲-۹ نیز در پروژه چشم

1 - Ageing Workink Group (AWG)

2 - Capital Intensity



انداز سال ۲۰۲۰ آثار پیری را بر کاهش بهره وری عامل و مهارت و کمیت نیروی کار تایید کرده است. دنتون و اسپنسر (۱۹۹۸) نیز تاکید دارند که علاوه بر آثار افزایش سن جمعیت بر طرف تقاضا یعنی افزایش هزینه های عمومی سالمندان، باید به آثار سوء طرف عرضه و ظرفیت تولید کشور در کانادا توجه شود. در گزارش بلوم و همکاران (۲۰۰۸) که برای کمیسیون رشد اقتصادی بانک جهانی تهیه شده مشکل کاهش نرخ رشد اقتصادی کشورهای حوزه اتحادیه اروپا بر اثر افزایش سنی جمعیت و کاهش نیروی کار هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی تا افق سال ۲۰۴۰ پیش بینی شده است.

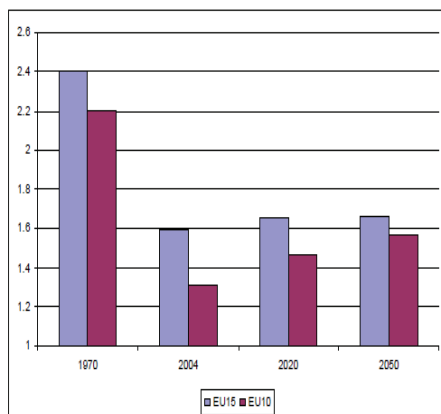
سومین عبرت، سیاست های جایگزینی این عارضه کاهش جمعیت است که سال هاست دنبال می شود و ناگزیر از پذیرش آن شده اند. بخشی از این سیاست انفعالی است. مثل افزایش سهم اشتغال زنان در جامعه که به تدریج جایگزین کمبود نیروی کار مردان شده است و ناشی از افزایش میل به رفاه بیشتر در جامعه غربی و همچنین هزینه های زندگی خانوار و افزایش ارادی سهم اشتغال زنان به میل خانوارها است. این معضل نیز به مصداق شعر مولوی «نی است که با سوختنش خودش شمع مزار خویش» شده است. هجوم نیروی کار زنان منجر به یک دور باطل جدید شده و اشتغال اینان نرخ باروری را مجدداً کاهش و با کاهش باروری مجدداً میل به استخدام نیروی کار به عنوان جایگزین نیروی کار مردان ضروری تر می شود. بزرگترین خطر این پدیده نیز تضعیف نظام خانواده و پرورش فرزند و به نوعی یکی از عوامل فرو پاشی خانواده در غرب است. آپس و همکاران (۲۰۰۷، ۷۹) علت پیری جمعیت را تخصیص نیروی کار زنان از محیط خانه به بازار و واکنش طبیعی آن یعنی کاهش باروری بوده است. در تحقیق ایشان مشخص می شود که افزایش عرضه نیروی کار زنان در بازار رابطه مثبتی با افزایش پس انداز، خرید بیمه درمانی خصوصی و افزایش مراقبت های بهداشتی دارد. علت دیگر ناگزیری از پذیرش سهم اشتغال زنان به دلیل کاهش جمعیت فعال است.

بخشی نیز تدبیری است که برای جایگزینی جمعیت از نیروهای خارجی مهاجر ترتیب داده شده است و سالهاست سرمایه از دست رفته فرار مغزها از کشورهای در حال توسعه ای مانند ایران نصیب کشورهای غربی می شود. سیاستی که یک طرف آن باخت و طرف دیگر برد برای کشورهای غربی است. گرچه شاید راجع به سرریز جمعیت غیر ماهر کشورهای در حال توسعه این سیاست مهاجرپذیری به نظر خوشایند باشد ولی در دراز مدت به نفع کشورهای



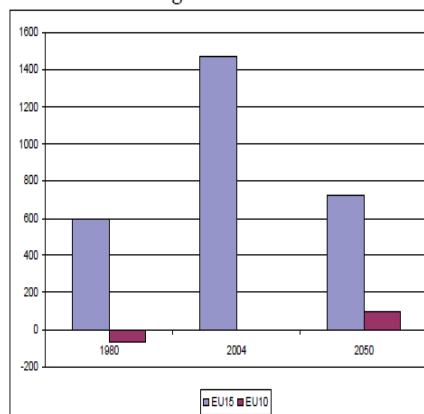
مهاجر پذیر خواهد بود. زیرا اولاً سرمایه گذاری اولیه تا مرحله جوانی سودی است که از جیب کشورهای در حال توسعه خرج شده و به نفع کشور مهاجر پذیر از دست می‌رود. ثانیاً با وجود نرخ بیشتر زاد و ولد در مهاجرین وزنه جمعیتی به نفع کشور مهاجر پذیر خواهد بود. به خصوص که میل بازگشت به وطن معمولاً تضعیف می‌شود. ثالثاً ارزش افزوده کار آنها نصیب کشور مهاجر پذیر می‌شود. حال اگر کارگر ماهر و یا نیروی کار از نخبگان باشد به مراتب این زیان برای کشوری که نیروی خود را از دست می‌دهد سنگین‌تر خواهد بود. در گزارش کارونه و همکاران (۲۰۰۵: ۹) تاکید می‌شود که مهاجرت می‌تواند به پایداری عمومی طرحهای بازنشستگی کمک کند مشروط به اینکه مهاجرین در بخش اقتصاد رسمی به کار گرفته شوند و با بازار کار انطباق داده شد و در پوشش آمار رسمی بیابند اما در بررسی آنها متوجه می‌شوند که نرخ بیکاری مهاجرین در این کشورها ۲ تا ۳ درصد بیشتر از نیروهای بومی است و مشکل اصلی ادغام مهاجرین در بازار کار است. طبق گزارش اینان جریان خالص مهاجرت به ۲۵ عضو اتحادیه در سال ۲۰۰۴ ۱/۳ میلیون نفر و ۰/۳۵ درصد جمعیت این کشورها بوده است. پیش بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ جمعیت مهاجر به سقف ۴۰ میلیون نفر برسند. اینان تاکید می‌کنند که الحاق اعضای جدید به اتحادیه اروپا نقش حیاتی دارد زیرا جابجایی نیروی کار را آسان‌تر و کاملتر و نقش جبرانی آن را در پیری جمعیت بهتر ایفا خواهد کرد (کارونه و همکاران، ۲۰۰۵، ۲۰ و ۱۷) (نمودار شماره ۴).

Graph 2 - Past and projected fertility rates



Source: EPC and European Commission (2005).

Graph 3 - Past and projected annual net migration flows



Source: EPC and European Commission (2005).

بدیهی است که جمهوری اسلامی ایران پس از تجربه کاهش نرخ باروری در دهه گذشته باید به فکر تجدید نظر در ترکیب سنی جمعیت باشد. روند نگران کننده فرار مغزها در سه دهه گذشته، افزایش نرخ و نسبت اشتغال زنان در بازار کار، تورم و افزایش هزینه‌های زندگی به خصوص هزینه‌های بهداشت و تحصیل کودکان و مسکن متاهلان و تغییر الگوی مصرف و افزایش رفاه زندگی، میل به تحصیل دختران و به عقب انداختن ازدواج و افزایش سن ازدواج، مشکل پیدا کردن شغل و درآمد کافی برای پسران، بهبود شاخص امید به زندگی^۱ و افزایش شاخص سلامتی و طول عمر همه و همه از عوامل کاهش باروری و پیری جمعیت هستند. با وجود زمینه‌های سالخوردگی جمعیت طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بدون توجه به عامل انسانی جوان غیر ممکن خواهد بود. لازمه پیشرفت نشاط، نیرو، تلاش، تحرک، ابداع و نوآوری و امید به آینده است جوان ظرف و موتور فکری، معنوی، مادی، یدی و فیزیکی پیشرفت است ظرفی است که مظلوفش پیشرفت است بدون این ظرف تحقق مظلوف ناممکن است. در واقع اگر این عامل مهیا نباشد تهیه ابزاری چون دانش، سرمایه، مدیریت، و سایر عوامل علت کامل و معده‌ای برای پیشرفت نخواهند شد و به عبارت دیگر نبود عامل انسانی مستعد در الگوی پیشرفت، پیشرفتی است که خود مانع پیشرفت خودش می‌شود که از آن به عنوان تناقض توسعه یاد شد.

عبرت چهارمی که باید از این چالش بزرگ تمدن غرب گرفت نسخه‌های تجویز شده از



سوی غربی‌ها برای کشورهایی چون جمهوری اسلامی است که آغشته به اغراض سیاسی و براندازی این نظام مقدس است. اینان مانند کرکسی می‌مانند که در بالای سر منتظر نفس آخر پیکر ما هستند. ترویج مواد مخدر، تبلیغات فحشا و مستهجن با استفاده از انواع وسایل و مشروبات الکلی همه در راستای استحاله نسل‌های کشورهای مقاوم در برابر ظالمان و مستکبران است. پیر کردن جمعیت مسلمانان و بخصوص شیعیان به معنای مرگ تدریجی اسلام و نظام جمهوری اسلامی خواهد بود. زیرا این نظام تمام معادلات استعماری و اهداف اشغالگری و غارت منابع کشورهای دیگر و از جمله ایران را بهم زده است. در این خصوص به چند سند اشاره می‌شود: فیایپ جینکینز استاد تاریخ دانشگاه کمبریج مدیر برنامه مطالعات دین می‌نویسد: «نرخ باروری کم ممکن است ایران را به صورت اساسی تری تغییر شکل دهد... با وقوع کمتر این آئین‌های مذهبی که بنیان تجربه مذهبی برای بسیاری از افراد هستند روابط شما با کلیسا و مسجد ضعیف می‌شود... از قدیم بیشتر کشورهای خاورمیانه و جوامع اسلامی نرخ باروری بیشتری داشته‌اند ولی در سال‌های اخیر نرخ باروری در هیچ کشوری غیر عادی تر از ایران نیست!... شما می‌بینید که برخی از بالاترین نرخ‌های تولد در جهان اسلام در جاهایی مثل عراق، سومالی، سودان، افغانستان و غزه هستند، درحالی‌که کمترین نرخ‌های تولد در کشورهای، مثل ایتالیا، ژاپن و آلمان هستند. واضح است که نرخ تولد پایین در ایران می‌تواند تغییرات بی‌سابقه و بسیار مثبتی را برای ما نشان دهد» (وب گاه نیو ریپوبلیک - با عنوان «هلال ناباروری»)^{۱۰} در مصاحبه وال استریت ژورنال واشنگتن با زیبگنیو برژینسکی کارشناس سیاسی امور ایران و مشاور امنیت ملی آمریکا در زمان ریاست جمهوری جیمی کارتر که در تاریخ جمعه ۵ مارس ۲۰۱۰ انجام گرفته در پاسخ به سؤال «بلند پروازی هسته‌ای ایران را چگونه مدیریت کنیم»، می‌گوید «از فکر حمله پیش‌دستانه به تأسیسات هسته‌ای ایران اجتناب کنید و به مذاکره با تهران ادامه دهید. از همه مهمتر، بازی را طولانی کنید، چرا که زمان، آمارهای جمعیتی و تغییر نسل به نفع رژیم کنونی نیست.» (وب گاه وال استریت ژورنال)^{۱۱} مشابه همین اظهارات برای تحدید جمعیت کشورهای اسلامی در تحقیق هنری کسینجر وزیر امور خارجه وقت آمریکا که یک صهیونیست است، آمده است. این گزارش تا سال ۱۹۹۰ ممنوع‌الانتشار بود. ۱۱ طبق گزارش وب گاه سازمان ریزی جمعیت رژیم صهیونیستی^{۱۲} نرخ رشد جمعیت رژیم اشغالگر قدس در حدود ۳ درصد بیشتر از کشورهای

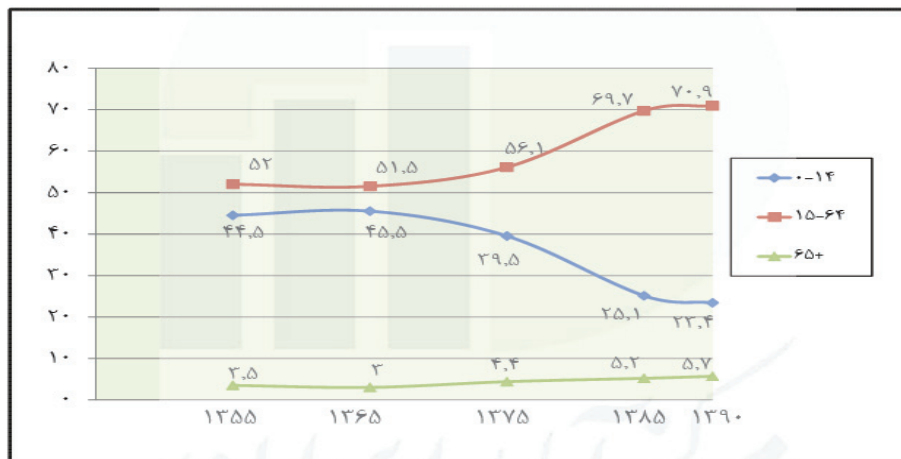
(به نقل از مجموعه فایل‌های منتشر شده همایش ملی تغییرات جمعیتی و همان‌ماخذ Online.WSJ.com/news/article - 1)



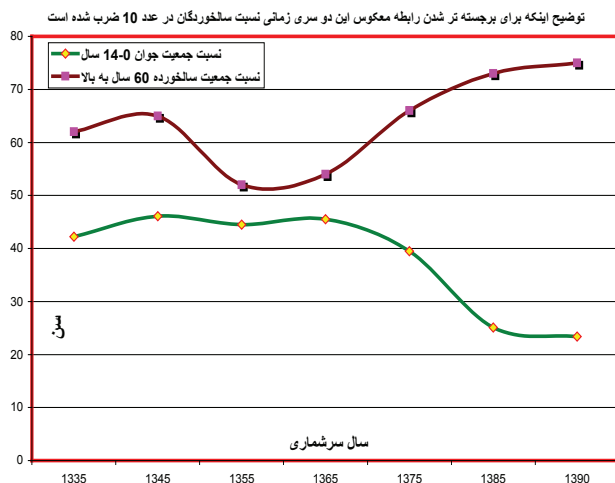
منطقه است. این جمعیت بی هویت بنا به نقل از وبگاه برنامه امنیت ملی این رژیم جمعیت این کشور مرتباً همزمان با رشد در حال جوانتر شدن است. ۱۳ به طوریکه در سال ۲۰۱۳ در هرم سنی سهم افراد ۱۴ تا ۲۸٪ و سهم افراد ۱۵ تا ۶۴ سال ۶۲/۱ درصد و تنها ۹/۹ درصد ۶۵ سال به بالا داشته‌اند. بی تردید این رقابت، یک مسابقه در راستای توسعه قلمرو اشغالی و برای تفوق نظامی، سیاسی و اقتصادی در سطح منطقه است.

نگرش اقتصادی به جمعیت - روش کنترل هزینه متغیر جمعیت

بی تردید عامل اصلی اقتصادی سیاست کاهش جمعیت از سوی دولت‌ها گریز از افزایش هزینه‌های عمومی خدمات اجتماعی بوده است. بین ساختار سنی جمعیت و فشار مالی یک رابطه مستقیم وجود دارد. در کار پژوهشی رضا کیهانی حکمت (۵-۴: ۱۳۸۵) اثبات می‌شود که در کشور ما نیز «متغیرهای جمعیتی روی اندازه دولت و رشد اقتصادی تاثیر دارد. این معنا در کار عرب مازار و کشوری شاد (۱۳۸۴) نیز تایید شده است. همچنین ساختار سنی جمعیت بار تکفل پیر و جوان بر اندازه خارج (آموزشی، اجتماعی، بهداشتی، دفاعی، رفاهی و خدمات اقتصادی و عمومی) و فشار مالی بر دولت موثر است. افزایش نسبی جمعیت پیر و جوان سبب افزایش سهم تولید ناخالص داخلی اختصاص یافته به خدمات اجتماعی می‌شود. همینطور نسبت مخارج آموزش به تولید ناخالص داخلی بطور معناداری تحت تاثیر جمعیت جوان کشور قرار می‌گیرد و نسبت مخارج بهداشتی و رفاهی به تولید ناخالص داخلی نیز با اندازه جمعیت سالخوردگان در جمعیت در حال رشد است.» و جالب اینکه در مقطع زمانی مورد بررسی یعنی ۱۳۳۵-۱۳۷۵ نیز نتیجه می‌گیرد که «به دلیل نرخ بالای زاد و ولد در کشور انتظار می‌رود که فشار مالی مخارج اجتماعی کاهش یابد.» از یک طرف دولت‌ها با افزایش سهم جمعیت جوان مواجه با افزایش هزینه‌های آموزشی می‌شوند و از طرف دیگر در مقابل با افزایش سهم جمعیت سالمندان دچار افزایش هزینه‌های بهداشتی، بازنشستگی و اجتماعی می‌شوند. به روند تغییرات سهم سه گروه عمده سنی جمعیت از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ در نمودار ۵ و ۶ توجه شود نشان می‌دهد که از نظر فیزیکی و کمی نیز این تقابل بین سهم دو گروه سنی زیر پانزده سال و بالای ۶۵ سال وجود دارد. در نمودار دوم که با استفاده از داده‌های سرشماری‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ در جدول شماره ۱ این تحقیق درج شده نیز این تقابل وجود دارد.



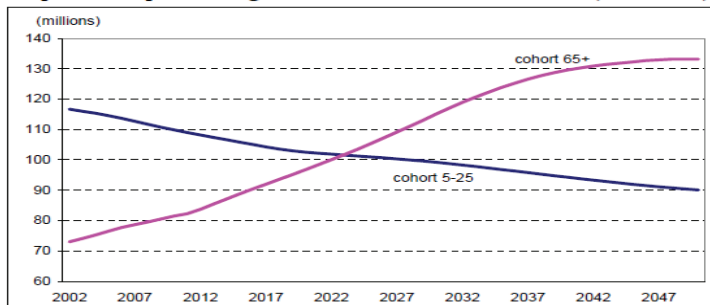
شکل - ۵- روند تغییرات سهم سه گروه عمده سنی جمعیت از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ (مرکز آمار ایران)



شکل - ۶- مقایسه نسبت جمعیت جوان و سالخورده

جالب توجه است که این تقابل در آمار جمعیت کشورهای اروپایی نیز مشاهده می‌شود. در نمودار ۷ این وضعیت به تصویر کشیده شده است.

Graph 6-1: Population aged 5-25 and over 65 in the EU25 (2002-2050). Millions



Source: Eurostat.

شکل - ۷- جمعیت سنین ۵ تا ۲۵ سال و ۶۵ سال در ۲۵ عضو اتحادیه اروپایی

ماخذ:

“Economic Policy Committee and the European Commission (DG ECFIN), (2006), p.168

با توجه به دغدغه دولت‌ها برای کاهش هزینه‌های اجتماعی برای جمعیت جوان و سالخورده به نظر می‌آید راه‌حلی برای این تقابل ظاهری هزینه‌ها وجود داشته باشد. شاخصی که باید در این راه‌حل معرفی شود هزینه سرانه آموزش و سایر هزینه‌های جمعیت جوان (Ey) و در مقابل هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی و بازنشستگی و اجتماعی جمعیت سالمند (Ho). انتظار می‌رود رفتار این دو متغیر نیز همچون متغیر موکل خود یعنی تعداد جمعیت جوان و سالمند نیز یک رابطه معکوسی داشته باشند. در نمودار فرضی ذیل این روابط رسم شده‌اند: طبق فروض گفته شده شرط بهینه‌سازی هزینه‌های اجتماعی جمعیت جوان و سالمند انتخاب نقطه تقاطع دو منحنی است که در نمودار فرضی ذیل در نقطه ۴/۵ محور افقی در سطح فرضی ۴۵ میلیون نفر و سن حدود ۲۷ سال و در منحنی مجموع در نقطه حداقل حاصل شده است^{۱۳}. در صورت دسترسی به دو سری داده می‌توان ابتدا دو تابع را برازش و نقطه تعادل و تقاطع آنها را از طریق ریاضی بدست آورد.

لذا اگر تابع هزینه جمعیت جوان حاصل جمع ۴ قلم هزینه تعلیم، بهداشت و درمان، ورزش و ازدواج و تابعی از تعداد جمعیت باشد :

$$Ey(E, H, S, M) = f(Po)$$

و تابع هزینه سرانه جمعیت سالمند مشتمل بر هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی و درمان،

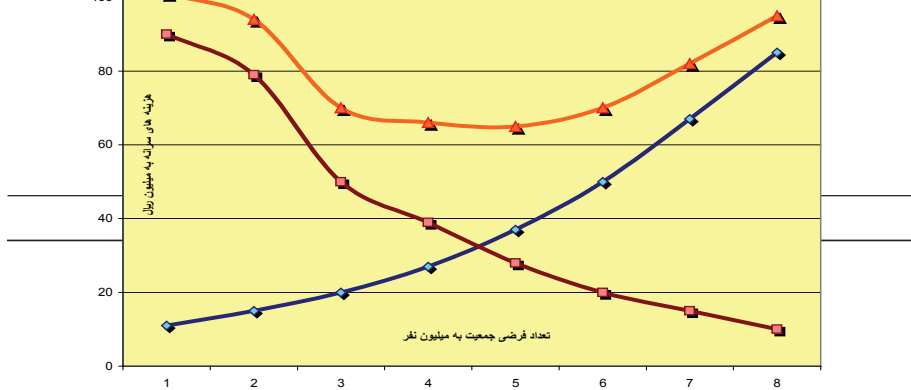
بازنشستگی، مراقبت‌های اجتماعی باشد:

$$H_0(H, P, C) = f(P_0)$$

در این صورت با مساوی قراردادن دو تابع مقدار دو متغیر مجهول تعداد جمعیت و میزان هزینه حداقل که ترکیب دو گروه سنی در آن مشخص شده به دست می‌آید. راه مکمل دیگر ترکیب دو تابع و برازش یک تابع از دو گروه است. در این صورت با مشتق گرفتن از تابع مجموع نسبت به متغیر جمعیت و برابر صفر قراردادن آن نقطه حداقل تابع به دست می‌آید و با قراردادن این مقدار در تابع مقدار دو مجهول تعیین می‌شود.

$$\frac{\partial EHy_0}{\partial PO} = 0$$

در این الگو انتخاب دامنه ترکیب سنی دو گروه سنی جوان و سالمند نقش اساسی در تعیین دقیق نقطه بهینه دارد. زیرا تفکیک و ترکیب هزینه‌های اختصاصی هر گروه سنی در انتخاب ترکیب سنی بسیار موثر است. در واقع امکان دسترسی به داده‌های قابل تعریف و تفکیک برای هر گروه سنی محقق و متولی را وادار به انتخاب دامنه سنی دو گروه می‌کند. مثلاً اگر تنها هزینه‌های مورد نظر دولت، هزینه‌های آموزشی جوانان تا مقطع تحصیلی پایان دکترا باشد ترکیب سنی از ۶ سالگی تا ۲۵ سالگی به عنوان گروه سنی جوان باید انتخاب شود. اگر هزینه‌های مراقبت اطفال نیز مد نظر باشد باید گروه سنی از ۰ تا ۲۵ سال انتخاب شود منوط به اینکه بتوان داده‌های لازم از هر دو هزینه را به دست آورد.



شکل-۸-

ابعاد چالش بحران مالی و اقتصادی

با توجه به مباحث ادبیات موضوع درباره ریشه‌ها، عوامل، زمینه‌ها و آثار بحران اقتصادی اقتصاد سرمایه‌داری و به خصوص ارائه برخی از ویژگی‌های بخش مجازی اقتصاد در اینجا انسان را به یاد آیه قرآن می‌اندازد که می‌فرماید: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» - کسانی که ربا می‌خورند، (از گور) برنمی‌خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته‌سرش کرده است. این بدان سبب است که آنان گفتند: داد و ستد صرفاً مانند ریاست و حال آنکه خدا داد و ستد را حلال و ربا را حرام گردانیده است. پس، هر کس، اندرزی از جانب پروردگارش بدو رسید و (از رباخواری) باز ایستاد، آنچه گذشته، از آن اوست و کارش به خدا واگذار می‌شود و کسانی که (به رباخواری) باز گردند، آنان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود. (۲۷۵) يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (۲۷۶) خدا از (برکت) ربا می‌کاهد، و بر صدقات می‌افزاید و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست نمی‌دارد. (۲۷۶) یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا الربا اضعافا مضاعفة و اتقوا الله لعلکم تفلحون و اتقوا النار التي اعدت للكافرين؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا (و سود پول) را چند برابر نخورید! از خدا بپرهیزید تا رستگار شوید! و از آتشی بپرهیزید که برای کافران آماده شده است»

کلام الهی هفت عمق دارد. لذا تفسیر آیات نیاز به تخصص ویژه مفسرین دارد. در اینجا تلاوت و معنی این آیات دو نکته مهم را در ذهن متبادر می‌سازد اول اینکه بیع مثل ربا نیست، و یک معنای آن می‌تواند مقوم جدایی بخش فعالیت‌های حقیقی اقتصاد از فعالیت‌های سفته بازی، دلالی در بخش مجازی و خودکامگی و ولنگاری بخش مجازی



باشد و نکته دوم در آیه «ضعافاً مضاعفه» نیز مقوم مفهوم چند برابر شدن و حبابی شدن کاذب بخش فعالیت‌های پولی و مالی و سفته بازی بخش اقتصادی مجازی باشد. از نتایج کار محققین بر می‌آید که بحران از یک طرف متغیرهای پولی و مجازی را متورم و حبابی کرده است و بخش اقتصاد سایه و مجازی به وجود آورده که مشخصه‌اش سفته بازی و خلق پول با پول و از پول، تکاثر ثروت بی پشتوانه، سرعت مبادله‌ای سایه بدون هرگونه مبادله در بازار کالاها و خدمات حقیقی، خودکامگی، سیالیت، پول شویی، جریان سازی و مدیریت تاثیرگذار بر بخش حقیقی اقتصاد است. از طرف دیگر متغیرهای حقیقی دچار انقباض و تضعیف شده‌اند. به عبارت ساده‌تر بخش واقعی مغلوب سایه خود شده است. این معضلات مجدداً حجتی برای اندیشمندان علوم انسانی و بویژه علم اقتصاد و به خصوص مایه عبرت برای طراحان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است.

پذیرش چشم بسته الگوهای اقتصاد سرمایه‌داری و نسخه پیچیدن آنها برای اقتصاد بومی ما یکی از امراض مسری در بین بسیاری از اقتصاددانان ما است. الگوهایی که اکنون، همانند تجربه شکسته شدن استخوان‌های الگوهای نظام سوسیالیسم شاهد خرد شدن مبانی آن هستیم و لذا در اینجا همچنان پیام و نصایح حضرت امام خمینی (سلام... علیه) به میخائیل گورباچف درباره پوچی نظام سرمایه‌داری یادآوری می‌شود. در اوج نظریه پردازی اقتصاد مکاتبی چون پیروان دور‌های حقیقی تجاری ظهور کردند که تا حدودی به اثر متغیرهای حقیقی طرف عرضه یا اختلال پولی کل با اعتقاد به قابلیت سرایت اثرات آن به بخش تولید و حقیقی اقتصاد در بروز نوسانات و ظهور دور‌های رونق و رکود توجه کرده‌اند. اخیراً دنیا مواجه با نظریات پیروان مکتب نهادگرایی شده که موضوع اثر متغیرهای ساختاری و نهادی و ارزشی را باور دارند. ولی این باور از سوی امثال این مکاتب هنوز به یقین نرسیده و با ابراز نظرهای گوناگون در جمع خود خواننده را در نتیجه‌گیری اینکه اینان بالاخره چه پیام مشخصی برای جامعه اندیشه دارند، به تردید می‌اندازند. از این فراتر در ادبیات علم اقتصاد جدیداً اندیشمندانی پیدا شده‌اند که پا را فراتر از قفل‌های بسته نظریه‌های آکادمیک گذاشته و در ارتقاعی بالاتر از کرسی‌های غالب اندیشمندان، اقتصاد سرمایه‌داری را رصد می‌کنند. اما حتی متأسفانه کمتر شاهد ظهور افرادی هستیم که با اعتماد کامل به نقادی مبانی پردازند. دلیل این پدیده فقدان «میزان» در استناد است. طبیعی است که بشر به محدودیت‌های خود به خوبی

آگاه است. بنابراین همیشه قضاوت و پیش بینی حتی از سوی خود را که با مبانی، روش و اطلاعات بهنگام و کامل انباشته شده و با علم حضوری و حصولی ابراز شده، با احتمال و تردید بیان و منتشر می‌سازد.

نقد نظریه نظریه پردازان دل‌باخته غرب

شرایط و وقایع کنونی بحران اقتصادی در غرب حاصل و دستاورد حاکمیت بیش از دو بیست سال مدلی است که ادعای الگو بودن داشت. همانگونه که در ادبیات موضوع به اختصار اشاره شد با بروز نواقص اساسی اقتصاد سرمایه‌داری در عمل، اکنون غربی‌ها مشغول تجدید نظر در ادبیات بافته‌های علم اقتصاد خود شده‌اند. ولی ظاهراً برای طرفداران آنان در برخی از مجامع دانشگاهی ما باور این شکست مشکل است و به اصطلاح «کاسه داغتر از آش» شده‌اند. لذا در اینجا مختصراً به ادعاهای برخی پاسخ داده می‌شود. به طور مثال یکی از این افراد معتقد است که «هنر سرمایه‌داری عبور از بحران است. کما اینکه صندوق بین‌المللی پول نیز برآورد کرده از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۷ بیش از ۱۲۴ بحران بزرگ در کشورهای سرمایه‌داری شکل گرفته که همه آنها نیز پشت سر گذاشته شده‌اند.» و در ادامه افزوده که «این فرصت برای نیروی کار پدیده آمده که بتوانند به موازات قدرت‌گیری عامل سرمایه از طریق تسهیل سازمان‌یابی نیروی انسانی در قالب اتحادیه‌ها یک قدرت هم‌سنگ در برابر سرمایه ایجاد کنند. در شرایط فعلی و تحولات رخ داده در کشورهای صنعتی، قدرت چانه‌زنی این اتحادیه‌ها رو به نزول گذاشته و این واکنش‌ها نوعی تلاش اولیه برای سازمان‌یافتگی بیشتر جامعه مدنی در برابر قدرت ساختاری سرمایه است و این نه به معنای مرگ سرمایه‌داری بلکه به معنای ایجاد دگرگونی‌های بنیادی سیاسی و اقتصادی در ساختار قدرت و موازنه نیروهای اجتماعی است. این سخنان به هیچ‌وجه به معنای بهترین گزینه بودن سرمایه‌داری نیست. همان‌طور که معنای مرگ آن را هم نمی‌دهد! ساحت علم، ساحت واقع‌بینی است و نسبتی با شعار مرده باد و زنده باد ندارد.»

اگر خوب دقت شود تناقض و بی‌اساس بودن ادعای فرد اول در درون استدلال خودش نهفته است. اصولاً اقتصاد سرمایه‌داری نئوکلاسیک بر اساس مبانی ذیل شکل گرفته است: اصل مالکیت خصوصی و حاکمیت سرمایه و ثروت بر تمام شئون اقتصاد جامعه، نفع و



لذت شخصی، حاکمیت ربا در بازار سرمایه و پول، اصل عدم مداخله دولت در اقتصاد، رقابت و کارایی دست نامرئی در ایجاد تعادل های اساسی در بازارها، اصل ادعای عقلانیت کامل، روند بلندمدت تحقق تعادل در بازارها و...

طبق این گفته اولاً اگر جنبش کارگری برعلیه حاکمیت سرمایه و برای سازمان یافتگی بیشتر جامعه مدنی در برابر قدرت ساختاری سرمایه است نشان از دو چیز است. یکی سرکوب سرمایه انسانی و عامل نیروی کار در نظام مزبور و دیگری مقابله با این نظام با محور قدرت سرمایه است که طبق ادعای ما بحران سرمایه‌داری دچار آن شده است. ثانیاً به تناقض گفتار فرد اول توجه شود که در یک نظام وقتی دگرگونی بنیادی رخ دهد دیگر آن نظام، نظام پیشین نخواهد بود. بلکه نظام دیگری با موازنه قوای نیروی کار و سرمایه جدید خواهد بود. ثالثاً نویسنده اضافه کرده که: «...به قاعده تجربه‌های نیم‌قرن گذشته نوعی تفاهم عمومی در سطح نظریه‌پردازان بزرگ و استراتژیست‌های کشورهای صنعتی پدید آمده که در شرایط جدید از منظر سامان نظام‌های اقتصادی هیچ جامعه‌ای با اتکا به دولت یا به بازار به تنهایی قادر به پیشرفت نخواهد بود و استفاده از ترکیب خردمندانه بازار و دولت اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین، این بلوغ نظری به وجود آمده که دولت و بازار در کنار تمامی وجوه مثبت خود از درماندگی‌های مختص خود نیز در رنج هستند و هر دولتی که به بالندگی و توسعه علاقه‌مند است برای آنکه از دستاوردهای دولت و بازار استفاده کند و از درماندگی‌های آن مصون بماند، تلاش گسترده‌ای برای تقویت جامعه مدنی را در دستور کار قرار داده است. حضور نهادها و تشکل‌های مدنی بر فراز دولت و بازار، شفافیت اطلاعات و مشارکت‌آمیز کردن فرآیند تخصیص منابع را موجب شده است و به این اعتبار، وجه اجتماعی زندگی مردم دستخوش ارتقای سطح و منزلت بی‌سابقه‌ای شده است. بنابراین، رشد و بالندگی نهادهای مدنی و جنبش‌های اجتماعی از این منظر مرهون انقلاب دانایی است...» این توجیه نیز برخلاف مبانی سرمایه‌داری است که اصل دخالت و حضور دولت در بازار را نفی می‌کند و اتفاقاً سردمداران غرب در اجلاس داووس سوئیس و محققین در نوشته‌های خود پشیمانی خود را از عملکردهایی اقتصادی به دست بانک‌ها و بنگاه‌های بزرگ خصوصی اعلام کرده‌اند. چهارم این که نامبرده جنبش وال استریت را انقلاب دانایی نام گذاشته است. تناقض دیگر در این بیان نفس‌واژه «انقلاب» است که دقیقاً به معنی زیوررو کردن یک نظام و در اینجا نظام سرمایه‌داری است. به



علاوه تاکنون که نظام سرمایه‌داری ادعای عقلانیت کامل داشت چطور شد دوباره بر سر عقل آمده است؟ روشن است که نویسندگان دنبال توجیه و دفاع از یک مسئله باطل است. فرد دیگری ادعا کرده که «محور لیبرال دموکراسی در غرب «سرمایه انسانی است و نه سرمایه پولی»! پاسخ خوبی در جواب ایشان در ادبیات موضوع ارائه شد. در جواب کلی به این فرد باید اضافه کرد که این چه سرمایه انسانی است که اکنون مواجه با قیام سرمایه انسانی شده است؟ یا چه سرمایه ای است که مجدداً مواجه با انقلاب دانایی بنا بر قول فرد اول شده است؟ یا بالاخره بنا بر ادعان خود غربی‌ها ریشه بحران اخیر و نگرانی بازار پول و نهادهای مالی بوده‌اند. چه دلیلی برای اصرار شما بر این نظریه بی سند است که صاحبان اصلی را به اعتراف واداشته است؟ کدام دوربین اقتصاد اخیراً حادثه رونق و رکودی ضبط نموده که عامل شروع این بحران باشد؟ شخص دیگری در کسوت رشته جامعه‌شناسی ادعا نموده که اقتصاد غرب در بحران نیست بلکه در حال پوست اندازی است!

در پاسخ به این فرد نیز باید گفت که یکی از علائم موفقیت یک اقتصاد ایجاد تعادل همه جانبه در سطح بالای بهره‌وری در کلیه بازارهاست. اقتصاد سرمایه‌داری ادعا داشته که در تمام شئون نفع شخصی موجب تامین نفع اجتماعی می‌شود و در تمام بازارها تعادل در سطح کارایی برقرار خواهد شد. اکنون جا دارد به این پرسش پاسخ دهند که در کدام شئون نفع شخصی موجب تامین نفع اجتماعی شده و در کدام بازارها تعادل در سطح کارایی برقرار شده است؟

آیا عدالت در توزیع ثروت و درآمد به وجود آمده است؟ آیا همه از رفاه برخوردار شده‌اند؟ آیا منافع شخصی اقلیت‌ها و ضعفا تامین شده است؟

اگر در بازار کار تعادل برقرار شده چرا اکنون نرخ بیکاری به بیش از دوازده (و در کشورهایمانند یونان و اسپانیا به بیش از ۲۵ درصد) رسیده است؟ چرا نیروی ماهر را همچنان از خارج و عموماً با طعمه‌گذاری و فراری دادن مغزها تامین می‌کنند؟ اگر در بازار کار تعادل وجود دارد چطور جامعه غربی دچار بحران کهولت سن شده که خود بزرگترین تناقض توسعه‌ای در غرب است؟

در بازار پول کدام تعادل به وجود آمده است؟ آیا کسری شدید و بدهی انباشته نشان از عدم تعادل نیست؟ بحران مالی کنونی حاصل عملکرد کدام بخش از اقتصاد است؟ چرا امثال جورج سوروس با خارج کردن سرمایه از بازار باید شالوده ۲۰ ساله اقتصاد جنوب



شرقی آسیا را بر هم زده و حاصل دسترنج بیست ساله بسیاری از آنها را نابود کند؟ در بازار سرمایه نظامی که دویست سال است به خود می‌بالد چرا باید حجم انباشت بدهی بوجود بیاید؟ در کفه مقابل بدهی، دارایی وجود دارد. این دارایی‌ها کجاست؟ در دست سرمایه انسانی مورد ادعای شماس‌ها یا صهیونیست‌های حاکم بر هستی دنیای مسیحیت؟ این همه حباب کاذب بخش مجازی در بازار سرمایه و جابجایی‌های موجی که علامت عدم تعادل در بازار سرمایه است چگونه از چشم بسته امثال اینان دور مانده است؟

در بازار کالاها و خدمات آیا این همه تلاش برای سدشکنی تعرفه‌ها و محدودیت‌های کمی تجاری در کشورهای جهان سوم با ابزارهایی چون سازمان تجارت جهانی نشان از ناکارآمدی نظام سرمایه‌داری نیست؟ و آیا نمی‌بینند که این بازی‌ها ابزار حل مشکل اشباع بازار آنها و مشکل بیکاری «جایگزینی انسان به تبع کاربرد ماشین» شده است و با فریب به دنبال فرافکنی و تحمیل مشکل خودشان بر دوش ملل مستضعف هستند؟ با وجود موانع مذکور چه تعادلی بروز خواهد کرد؟

آیا تعادل زیست محیطی به وجود آورده‌اند؟ پس این همه نگرانی در مورد اثرات زیست محیطی فعالیت‌های صنعتی کشورهای غربی و زیر پا گذاشتن مصوبات کنفرانس ریو نشان از چیست؟

آیا الگوی مصرف و تولید آنها متعادل است؟ پس این عقب‌گرد به طبیعت نشان از چیست؟ در دهه گذشته هرچه امراض ناشناخته مانند ایدز، جنون گاوی، انفلونزای مرغی و خوکی و غیره شایع شده منشاء غربی داشته که یا از آنجا شروع شده و یا حاصل آزمایش‌های این انسان‌نماها در کشورهای کم توسعه بوده که جولانگاه جنایات آنهاست و ...

اما برخلاف قلمروی سکولار و سرمایه‌داری بی‌بنیان، برگ برنده و برجسته قلمرو اندیشه در محیط مکتب و دانش اقتصاد اسلامی وجود «میزان» و بلکه «موازن مستحکم» است. شهید محمد باقر صدر در کتاب خود، کار محقق را اکتشاف و جستن ساختمان تئوریک براساس نصوص قرآن و سنت می‌داند که قبلاً تکمیل شده است. در ادبیات فقه الاقتصاد از قول موازین حکمت و دانش یعنی ائمه اطهار علیهم السلام مکرراً به پیروان و دولتمردان با صراحت تام بر فعالیت‌های حقیقی اقتصادی چون کشاورزی و صنعت تأکید می‌شود. امام ششم علیه السلام در روایتی می‌فرمایند: «در میان کارها هیچ کاری نزد خدا محبوبتر



از کشاورزی نیست و خداوند هیچ پیامبری را برانگیخته نکرد مگر آنکه کشاورز بود به جز ادريس که خياط بود» (ری شهری، ۱۳۸۵). در عوض حضرت ایشان در بیان دیگری پیش شرط تجارت را آشنایی به احکام حلال و حرام دین می‌دانند که اگر آموخته نشود تاجر به ورطه شبهات می‌افتد و یا پیامبر اکرم (صلی ا... علیه و آله) می‌فرماید: کسی که خرید و فروش می‌کند باید از پنج کار دوری گزیند و گرنه نباید خرید و فروش کند: ربا، سوگند، پوشاندن عیب کالا، تعریف و تبلیغ در موقع فروش و بد گویی از کالا در موقع خرید آن. (ری شهری، ۱۳۸۵) از مقایسه این دو دسته سخن برمی‌آید که انجام فعالیت‌های فراتر از تولید همراه با وقوع خطرهایی است که در دایره تولید مفید قرار ندارند و برخلاف آن آغشته به اعمالی کذب می‌شوند. اینک در روایات بر فعالیت‌های کشاورزی، صنعت و خدمات مفید و حقیقی تأکید می‌شود، دلیل بر وجود منافع در این قبیل فعالیت‌های اقتصادی برای بشر است و لذا اینها ماندگار و با ارزش تلقی می‌شوند.

آسیب شناسی بحران، تورم بخش غیر حقیقی

توسعه اقتصادی بارآور حوادثی در نظام معیشتی بشر است که از همه مهمتر و شاید مغفول تر رشد و تورم بخش اسمی (غیر حقیقی) اقتصاد در مقایسه با بخش حقیقی آن است. این بخش در اقتصاد سرمایه داری به شدت متورم و بزرگ شده است. در بخش قبلی این مفهوم تعریف شد. بخش مالی و پولی، فعالیت‌هایی چون معاملات کاغذی، بخش غیر ضروری توزیع در بازار خدمات، سفته بازی، دلالی، ازدحام و کثرت بی حد و حصر مؤسسات واسطه مالی، پولی، پولشویی، بورس بازی غیر کالایی و از این قبیل از اجزای برجسته بخش غیر حقیقی اقتصاد سرمایه داری هستند. اگر درست به تعریف پدیده خلق کالا و خدمات توجه شود، می‌توان بخش غیر حقیقتی را این چنین معرفی کرد که نقش مستقیم و مفیدی در تولید کالا یا خدمات ندارند. البته برخی فعالیت و وجود نهادها به اصطلاح فقهی در حد واجب کفایی لازمند. مثلاً احتساب بخش زائد توزیع در اقتصاد کشور ما به دلیل سهم‌بری این واسطه‌ها در چرخه از تولید تا مصرف است. عملاً هیچ گونه ارزش افزوده‌ای ایجاد نمی‌کنند ولی سهم هنگفتی از ارزش افزوده را بر می‌دارند. سود غیر متعارف و هنگفتی که بدون هرگونه فعل مثبتی عایدش می‌شود به همین دلیل است که از منظر شخصتی اسلام شناسی چون شهید دکتر محمد بهشتی سود غیر متعارف در اسلام در حکم ربا تلقی می‌شود (بهشتی، ۱۳۸۷). از خصوصیات دیگر این بخش



سایه و مجازی منعطف بودن، موج آفرین، سبک، سریع، فرار، رویین، سرعت گردش پول، جریان‌ساز فیزیکی، جریان‌ساز روانی و محرک است.

در عوض بخش حقیقی زیرین، سنگین، کند و موج‌پذیر است و تحرک کمتری دارد. لذا این دو بخش همچون دولایه می‌مانند که در نظام اقتصاد چنبره زده و مطابق قانون خلقت کارکردی چون آب و کف دارند. به مصداق قرآن کریم کف در رو قرار می‌گیرد. بخش غیرحقیقی نیز در رو قرار می‌گیرد و جریان‌سازیش باعث فریب عوامل بازار و حتی انحراف مسیر بخش حقیقی می‌شود. علاوه بر بحران اقتصادی بزرگ سال ۲۰۰۸ که در مبحث پیشینه مطرح شد به طور مثال جریان بورس بازی سال ۲۰۰۷ در بازار جهانی نفت مصداق بسیار روشنی از این پدیده است که بدون کمترین حرکت آغازگر از طرف بخش حقیقی عرضه و تقاضا، در چند ماه قبل بورس بازار دلال‌دفعاً قیمت نفت را به ۱۴۷ دلار رسانده و مجدداً همین عناصر واسطه باز بدون هرگونه تحرکی در بازار عرضه و تقاضای حقیقی نفت، قیمت آن را به کمتر از ۶۰ دلار رساندند. شاید اگر غربی‌ها به صفات متمایز این دولایه خوب توجه می‌کردند دوبار از این سوراخ‌گزیده نمی‌شدند، لذا با وجود عبرت‌های بزرگی چون بحران ۱۹۳۰-۱۹۲۹ متنبه نشده و از خواب غفلت از ریشه‌ها بیدار نشدند. حتی در کنفرانس‌هایی چون برتن‌وودز که دنبال راه‌حلی‌هایی چون پشتوانه پولی بودند اگر به ریشه‌ها توجه داشتند می‌بایستی دنبال پشتوانه دادن به بخش حقیقی اقتصاد می‌رفتند. بخش مجازی به دلیل عدم مشارکتش در تولید کالا و خدمات حقیقی دارای یک ماهیت خودکامه، قارچ‌گونه و زالوصفت شده است. در واقع این بخش (اگر از حد کفاف آن خارج شود) شریک سهم منافع و ارزش افزوده عوامل مولد در بخش حقیقی می‌شود. کارش سهم‌بری است، بدون اینکه مشارکتی در تولید داشته باشد. در واقع رشد بیش از حد این بخش اهداف اولیه تشکیل آن را زیر سؤال برده است. لذا رشد بی‌حد و حصر آن در اقتصادهای با ثبات و بنیان قوی به مرحله‌ای می‌رسد که این‌الگوها را نیز ابطال کرده است. یکی از دلایل اصلی این شکست همین غفلت از ماهیت اقتصاد سرمایه‌داری به ظاهر باثبات ولی در باطن بیمار است که لایه مجازی (سایه) بر لایه حقیقی (پیکر) غلبه کرده است. پول اقتصاد را مدیریت می‌کند. به جای تبعیت سایه از پیکر، پیکر دنباله‌روی محکوم سایه شده است. یکی از وظایف پول وسیله مبادله کالا به کالا، کالا به خدمت و خدمت به کالا و برعکس است. این وظیفه متکی به



تعريف ثابتى از ارزش کالا در پول و بنا بر اين پول وسيله حفظ ارزش و ذخيره ارزش کالا و خدمت در خود است. در يك سلسله حلقه به هم متصل كه يك زنجير را تشكيل مى دهند هر حلقه کالا با يك حلقه پول به كالايى ديگر بايد متصل باشد. ولى در نظم نوين اقتصاد سرمايه دارى بخش پولى و مالى (مجازى) تمام حلقه هاى پول را با پول ديگر و يا شبه پولى به صورت مجزا و مستقل از حلقه هاى کالا و خدمات حقيقى جمع کرده و كلاً سرنوشت خود را از بازار حقيقى كالاها و خدمات جدا و اعلام خودمختارى کرده است. در اين بخش مجازى ارتباط و نسبت منطقى بين اين دو براساس موازين وجود ندارد. نفع پرستى مرض اصلى اين ساختار بى ضابطه است. در جوامعى چون اقتصاد ما نيز يكي از آثار متورم شدن و رشد غير معقول بخش غير حقيقى، كه ماهيتاً به هر نحو ممكن نقش واسطه اى پيدا مى كند، بروز عارضه خانمان سوز تورم و رشد مستمر سطوح قيمت هاست. زيرا رشد اين بخش به منزله افزايش تعداد زياد عائله و نان خور سر سفره اى است كه قبلاً تعداد نان آن مثلاً ۱۰ قرص بوده و الآن نيز ۱۰ قرص است؛ فقط سهم خورها بيشتر شده اند. لذا كار حتى به جايى مى رسد كه طبق قانون بازدهى نزولى افزايش و توسعه بى حد و حصر اين بخش نه تنها ارزش افزوده اى در اقتصاد ندارد بلكه با كُند كردن و طولانى كردن مسير فعاليت هاى اقتصادى بازدهى ساير بخش ها را نيز كاهش مى دهد. اگر در قالب يك طرح تحقيقاتى اقتصادى رابطه بين تورم و رشد بخش غير حقيقى (كه بايد از آن به بيكارى پنهان ياد كرد كه اندازه اى بسيار بزرگتر از بيكارى آشكار دارد) در اقتصاد ما بررسى شود نه تنها منحنى بلند مدت فيليبس بلكه منحنى کوتاه مدت آن نيز در اقتصاد ما از نوع صعودى در خواهد آمد. به عبارت ديگر بايد رشد بيكارى را در دل رشد بخش غير حقيقى، سفته بازى، موسسات مالى و پولى و مشاغل كاذب پيدا كرد. در عوض بخش حقيقى كُند است. تأسف بارتر اينكه اين بخش در اقتصادهاى چون ما به دلایل مختلف گره هاى قانونى، اجرايى، عدم انعطاف و عدم اجراى بانكدارى اسلامى در جهت تقويت بنيان توليد و طعمه اندازى بخش مجازى به خصوص فعاليت هاى دلالى و بازرگانى، كُندتر و آهسته تر است. بخش غير حقيقى سريع است و حتى بخش اعظم (شايد بيش از ۹۰ درصد) حجم پول و سرعت گردش آن با تحرک و عاملیت اين بخش جريان سازى شده و زمينه ساز تورم قيمت هاست. در دو كفه ترازوى اقتصاد، در يك كفه بخش غير حقيقى (بخصوص در اقتصاد ما) نقش جريان ساز پيدا مى كند. در رابطه مقدارى پول به



راحتی می‌توان این پدیده را تفسیر و توجیه کرد. اگر چرخه زمانی راه‌اندازی یک واحد تولیدی با راه‌اندازی یک شرکت معاملاتی با هدف انجام واردات و صادرات که تنها با زمان حداکثر ۵۰ روز به بهره‌برداری می‌رسد، مقایسه شود بهتر می‌توان تفاوت دو وزنه، یعنی کنده چرخه تولید حقیقی در برابر سرعت طرف فعالیت‌های موج و سرعت دهنده گردش پول یعنی بخش مجازی را در رابطه مقداری پول لمس کرد. دلال‌بازی در بازار مسکن در سال‌های گذشته نمونه بارزی از نقش جریان‌سازی فیزیکی در بازار خدمات، کالاها، بازارهای مالی، پولی و سرمایه و از آن مهمتر نقش جریان‌ساز روانی و موج‌آفرینی است. در بحران ۲۰۰۸ در بازار آمریکا مؤسسات بانکی و پولی رسمی و واسطه‌های پولی و مالی این نقش را بر عهده داشتند. در بحران گرانی نرخ ارز و طلا در زمستان سال ۱۳۹۰ در بازار ما این نقش بیشتر بر عهده عناصر غیررسمی بازار بود و البته متأسفانه برخی از عوامل رسمی مالی و پولی نیز در این امر مخفیانه مشارکت داشتند. از این تأسفبارتر نویسندگانی هستند که کورکورانه به ادبیات دیکته شده در کتاب‌های اقتصاد سرمایه‌داری کرده‌اند و بدون آشنایی به ریشه‌های اقتصادی و اصلی بحران برای اقتصاد نسخه تجویز می‌کنند.

ماهیت سربار بخش غیر حقیقی

در بین تمام مشخصات بخش غیر حقیقی یک ویژگی بیش از همه جولان و جلوه دارد و آن وجود زمینه وقوع و شبهه ربا در گردش نوع معاملات در این لایه است. شاید کمتر در ادبیات موضوع آمده باشد و یا حتی با این بیان مطرح شده باشد که اصولاً ریشه حرمت ربا در اسلام وجود اصل انقطاع معاملات ربوی از فعالیت‌های حقیقی است. وقتی اصل مشارکت در سود و زیان در قرارداد مضاربه فرض می‌شود، ریشه و فلسفه این فرض برقراری ارتباط معامله با وقوع یک فعالیت حقیقی تولیدی است. سهیم شدن در سود و زیان ناشی از این حقیقت است که در فعالیت حقیقی است که مشخص می‌شود که ارزش تولید شده یا زیان؟ در واقع اسلام تلاش می‌کند تا طناب تمام مبادلات و معاملات به خلق کالا و خدمت حقیقی وصل شود. اصولاً یکی از شرایط مبادله در اسلام معین بودن عین معامله است. در معامله ربوی این دو از هم بیگانه‌اند. قرض‌دهنده کاری به سود یا زیان معامله و فعالیت حقیقی ندارد. در کناری نشسته و طالب یک سهم از ناکجا آورده



ای است. در حقیقت نه تنها از نظر فیزیکی از فعالیت تولید دور است بلکه همچنین از نظر حقیقی خود را منقطع می کند. اگر به اتفاقات اخیر در غرب توجه شود همین پدیده به وضوح اتفاق افتاده است. در حالی که بخش حقیقی در ثبات کامل و حتی در حالت آسایش و خواب و به دور از هر گونه تلاطم بود، یک دفعه توفانی در بخش غیر حقیقی رخ داد و طومار اقتصاد غرب و سرمایه داری را در هم پیچید. وجود این تعافل در دولایه، ریشه در همین پدیده قبیح و مذموم را در بخش غیر حقیقی است که ماهیت سربار «کف روی آب» و «سایه سرخود» و «کاسه داغتر از آش» پیدا کرده و سرخود راه خود را بدون توجه به بخش حقیقی که ولی نعمت آن است، می رود. بنابراین ریشه دیگر بحران همین پدیده را در شالوده بخش و لایه غیر حقیقی اقتصاد سرمایه داری است. سربار بودن اشکال دیگری نیز دارد که خالی از شبهه را نیستند. فعالیت های بازار سیاه در همین آشفته بازار بخش غیر حقیقی امکان اختفا و استتار فعالیت پیدا می کند، در حالی که در بخش حقیقی شرایط کمتری برای اختفا و نمو وجود دارد. در واقع به این پدیده باید «اصل استتار» نام گذاشت. در تحقیقات معلوم شده که بخش اعظم اقتصاد زیرزمینی به بخش غیر حقیقی تعلق دارد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۳). تعلیق برنامه استقرار مالیات بر ارزش افزوده در چند سال گذشته با شروع حرکات ایذایی همین بخش غیر حقیقی همراه بود. زیرا این بخش استعداد فرار از شفافیت در چرخه فعالیت ها و بنابراین استعداد فرار از مالیات دارد.

الگوی اقتصاد اسلامی و عبرت های ما

امام باقر علیه السلام در روایتی می فرمایند: بدترین جاهای زمین بازارهاست. بازار میدان شیطان است. اول صبح پرچم خود را در آن جا نصب می کند و تخت خود را می گذارد و فرزندان را همه سو می پراکند به سوی کسی که پیمان را کم می دهد یا آن که ترازو را سبک می گیرد و کسی که در گز (متر) کردن دزدی می کند یا کسی که برای فروش کالا پیش به دروغ متوسل می شود. او به فرزندش می گوید بر شما باد به فریفتن مردی که پدرش (حضرت آدم) مُرده در حالی که پدر شما (ابلیس) هنوز زنده است. ابلیس با اولین کسی که به بازار می آید وارد می شود و با آخرین نفری که بازار را ترک می کند برمی گردد. امیر المومنین علیه السلام نیز می فرمایند: از پاتوق های بازارها بپرهیز که



محل‌های شیطانند و عرضه‌گاه‌های فتنه‌ها و گمراهی‌ها (ری شهری، ۱۳۸۵). با کنار هم گذاشتن این روایات و نیز روایات تکریم‌فعالیت‌های تولیدی چون کشاورزی و صنعت و خدمات مفید با خاستگاه فعالیت‌های غیر رسمی، زیرزمینی، پنهان، نامنظم، سیاه و سایر مفاهیم و تعاریف ارایه شده که بدون تردید بیش از ۹۰ درصد آنها در حوزه بخش غیر حقیقی پرورده و رشد می‌یابند، نتیجه آشکار و صریحی عاید ما می‌شود. این نتیجه چیزی نیست جز اینکه در الگوی اقتصاد اسلامی رشد بخش غیرحقیقی در اندازه‌ای غیر معقول، نکوهیده و ممنوع است. با این همه عبرت، ما چه اعتباری باید بگیریم (ما اکثر العبر و اقل الاعتبار) از این سخن رکن عالم وجود حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام به طور اجمالی یکی از مشخصات بنیادین اقتصاد اسلامی بزرگ بودن بخش حقیقی است. اسلام ما را به فعالیت‌های تولیدی حقیقی چون کشاورزی دعوت کرده و جهاد تولید را به مصداق جهاد در راه خدا معرفی کرده است. فعالیت‌های دلالی و بازار سیاه و واسطه‌گری در اسلام امری نکوهیده و گاهی حرام هستند. در واقع به مصداق کوه یخ باید بخش اعظم اقتصاد را بخش حقیقی و تنها بخش کوچکی از آن در حد واجب کفایی به فعالیت‌های مفید مالی، پولی و واسطه‌ای اختصاص یابد که بتوانند جریان فعالیت‌های حقیقی را تسهیل بخشند. اگر بخش غیرحقیقی بیش از اندازه درشت شود در اقتصادی چون کشور ما با وجود زمینه‌های قبلی انتظارات تورمی، ترکیب ناسالم اشتغال، فشارهای خارجی، فشارهای داخلی و خارجی سیاسی-اقتصادی، الگوی ناسالم مصرف و غیره نقش آن به مصداق سم مهلک برای اقتصاد می‌شود. پدیده‌ای که اکنون در جهان غرب با کمک یله گذاشتن اقتصاد و به خصوص بخش مالی و پولی کمر اقتصاد کشورهای پیشرفته را شکسته است. در عوض بخش غفلت شده حقیقی را با کوتاه کردن فرآیند «از مرحله تقاضای سرمایه گذاری تا به بهره برداری رسیدن طرح تولیدی» باید به شدت تقویت کرد. تحقق این دو عمل در کنار هم، همزمان می‌تواند کلیه مشکلات اقتصادی چون تورم، بیکاری، ضعف زیرساخت‌ها، اتلاف منابع و پارانها و غیره را حل کند.

پیشنهادها

آسیب‌شناسی نظریه‌های رایج و مدل‌های کلان توسعه غربی زمانی محقق می‌شود که نسخه پیاده شده و نتایج کار آنها را با ارزیابی تطبیقی تجارب توسعه در این کشورها استنتاج



کرد. تمدن اقتصاد لیبرالیسم با چالش‌های زیادی روبروست. دو چالش بنیادین موجود در کشورهای پیشرفته صنعتی در این نوشتار برشمرده شد. یکی بحران پیری جمعیت و دیگری بحران اقتصادی که ریشه در تورم بخش مجازی اقتصاد و ماهیت ربوی فعالیت‌های اقتصادی در بخش مالی و پولی است. سرانجام اقتصاد غربی آیه خوبی برای اقتصاد ما و طراحان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. آنها سالهاست در این منجلاب بحران فرو رفته و داستان خود را در سال ۲۰۰۸ به معنی تسلیم بالا برده‌اند. ما هنوز در زمینه کافی جهت کنار گذاشتن الگوهای تقلیدی لیبرالیسم اقتصادی را در بسیاری از اجزای و زیر بخش‌های اقتصاد ایران در اختیار داریم و مهمتر از آن الگویی به نام اقتصاد اسلامی داریم که خوشبختانه در یک دهه گذشته ابعاد بسیاری از آن کشف و علم آن نیز تولید شده است.

پیشنهاد می شود :

- در طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نرخ رشد زاد و ولدی بیش از ۲/۱ درصد پیش بینی و تمام ساز و کارهای لازم برای تحقق این نرخ در اجزای الگو در نظر گرفته شود.

- در طراحی الگو با عبرت از ریشه‌های بحران مالی و اقتصادی غرب و آسیب شناسی اقتصاد ایران، بخصوص غالبیت و حاکمیت فعالیت‌های دلالی و مجازی در اقتصاد، جایگاه و سهم بخش مجازی و بخش حقیقی را بر اساس الگوی اقتصاد اسلامی ترسیم و سهم و بخش نهاد های اقتصادی عهده‌دار وظایف و عاملیت اجرایی را بر اساس قواعد فقهی و مبانی علم اقتصاد اسلامی طراحی کند. کلیه فعالیت‌های شبهه برانگیز و شبه ربوی که عموماً در قلمرو بازار پولی و مالی و بخش مجازی حیات پیدا می کنند باید ممنوع شوند.

- مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با استخدام کارگروه بزرگی مرکب از اقتصاددانان حوزوی و دانشگاهی خودباور و وظیفه طراحی و تدوین ابعاد اقتصادی را در الگو به عهده این گروه بسپارد.

- نهادهای پژوهشی و آموزشی نهضت تدوین منابع بیشتری از سرفصلهای کلاسیک دروس اقتصاد اسلامی در ابعاد اثباتی و دستوری مورد استفاده در نهادهای دانشگاهی و مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برپا کنند و در این زمینه نهادهای مسئول حمایت‌های معنوی و منابع مالی لازم را فراهم کنند.



منابع

نهج البلاغه

- بهشتی، محمد حسین. (۱۳۸۷)، بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام، تهران، نشر بقیعه.
- حسینی، حاتم، (۱۳۸۳)، درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده، همدان، دانشگاه بوعلی سینا.
- دو ژورنه، ژاکوب. (بی تا)، جمعیت و توسعه پایدار، ترجمه فرهاد ماهر، مجموعه مقالات توسعه پایدار کشاورزی، پرتابل جامع علوم انسانی.
- سوری، علی و رضا کیهانی حکمت. (بی تا)، متغیرهای جمعیتی، هزینه‌های دولت و رشد اقتصادی، جلد سوم سیاستهای توسعه اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتابل جامع علوم انسانی، ص ۱۵۷-۱۴۱.
- سمیعی نسب، مصطفی و ترابی، مرتضی. (۱۳۸۹) شاخصها و سیاست‌های جمعیتی در ایران، فصلنامه برداشت دوم، سال هفتم، دوره جدید، شماره پیاپی ۱۱ و ۱۲، تابستان و پاییز، ۱۴۳.
- شیخی، عبدالمجید. (۱۳۸۴)، تطابق علمی نظریه عدالت اقتصادی اسلام با نظریه رشد، بهره‌وری و کارآیی، مجموعه مقالات همایش اسلام و توسعه اقتصادی، مولفه‌ها و مبانی سوم اسفند ماه ۱۳۸۴، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، انجمن علمی، اسلام و توسعه اقتصادی.
- صادقی، حسین، وفایی یگانه، رضا و غفاری، حسن محمد. (۱۳۸۳)، گسترش اقتصاد غیر رسمی و تهدید فرهنگ اقتصادی، ماهنامه مهندسی فرهنگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، سال دوم، شماره ۱۲، ص ۸۶-۷۳.
- صدر، محمد باقر. (۱۳۶۰)، اقتصاد ما، جلد اول، محمد کاظم موسوی (مترجم)، انتشارات جهادسازندگی مشهد.
- عرب مازار عباس، کشوری شاد، علی. (۱۳۸۴)، بررسی اثر تغییر ساختار سنی جمعیت بر رشد اقتصادی، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، شماره ۱۵ بهار.
- کریستال، الک ک. و پرایس، سایمون. (۱۳۷۶)، اختلاف نظرها در اقتصاد کلان، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۱۷.
- گردنر، ویلیام، (۱۳۸۸)، جنگ علیه خانواده، معصومه محمدی قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان استان قم.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۵)، منتخب میزان الحکمه، تلخیص سید حمید حسینی و ترجمه حمید رضا شیخی، تهران، موسسه فرهنگی دارالحدیث.
- مدرسی، سید محمد علی. (۱۳۹۲)، مبانی فقهی تغییرات جمعیتی، مجموعه مقالات همایش ملی تغییرات جمعیتی و نقش آنها در تحولات مختلف جامعه، ۹ آبان ۱۳۹۲ قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مرکز بهداشت استان قم. (۱۳۹۲)، مجموعه پوسترهای نمایشگاه تغییرات جمعیتی و نقش آنها در تحولات



مختلف جامعه، همایش ملی تغییرات جمعیتی و نقش آنها در تحولات مختلف جامعه، ۹ آبان ۱۳۹۲ قم،
موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

Ajakaiye, Olu and 'Tayo Fakiyesi,(2009)," Global Financial Crisis Discussion Series Paper 8: Nigeria ",Overseas Development Institute, Department of Economics, University of Lagos , May.

Apps Patricia, Ray Rees, Margi Wood,(2007), "Population Ageing, Taxation, Pensions and Health Costs", AUSTRALIAN JOURNAL OF LABOUR ECONOMICS

Vol. 10, No. 2, June 2007, pp 79 – 97.

Bloom, David E., David Canning, and Günther Fink,(2008)," Population Aging and Economic Growth", PROGRAM ON THE GLOBAL DEMOGRAPHY OF AGING

Working Paper Series, Harvard School of Public Health, PGDA Working Paper No. 31, April.

Business Council of British Columbia Outlook 2020 project,(2009)," POPULATION AGING:ECONOMIC AND SOCIAL DIMENSIONS ", RKA, Inc , SEPTEMBER.

Capital Institute,(2013)," Ethics, Economics, Finance, and Governance for the Anthropocene ", Third Millennium Economy Report,The Future of Finance A Working Paper of the Third Millennium Economy Project,August, Third Draft.

Carone, Giuseppe, Declan Costello,Nuria Diez Guardia, Gilles Mourre,Bartosz Przywara, Aino Salomaki,(2005)," The economic impact of ageing populations in the EU25 Member States ", European Commission , Directorate-General for Economic and Financial Affairs, December ,Number 236.

Chandrasekhar C.P,(2002)," Finance and the Real Economy: The Global Conjunction", Jawaharlal Nehru University,Centre for Economic Studies and Planning, New Delhi 110 067.

Constâncio, Vítor,(2013)," The European Crisis and the role of the financial system", Vice-President of the ECB, at the Bank of Greece conference on "The crisis in the euro area" Athens, 23 May.

Constantin ,Jonut,(2008)," The impact of virtual world economy in real world economy ", Faculty of Administration and Business - University of Bucharest, Manager,No.7, PP.39-45.

Declan Costello, Gert Jan Koopman, Kieran Mc Morrow , Gilles Mourre, István P. Székely, Alexandr Hobza, (2009)," The negative impact of the financial crisis



on potential output necessitates an EU-led policy response", 15 July, (<http://www.voxeu.org/article/eu-reforms-increase-potential-output>)

Denton, Frank T. and Byron G. Spencer, (1998), "Economic Costs of Population Aging", McMaster University, IESOP Research Paper No. 32, December.

Economic Policy Committee and the European Commission (DG ECFIN), (2006), "EUROPEAN ECONOMY- The impact of ageing on public expenditure: projections for the EU25 Member States on pensions, health care, long-term care.

Education and unemployment transfers (2004-2050)", Economic Policy Committee and the Directorate General for Economic and Financial Affairs of the European Commission, (http://europa.eu.int/comm/economy_finance/epc/epc_publications_en.htm)

Eichengreen, Barry and Kevin O'Rourke (2009), "A Tale of Two Depressions" VoxEU.org, 1 September. (February 2010 update), Published on vox (<http://www.voxeu.org>)

Gray, Alastair, (2005), "Population Ageing and Health Care Expenditure", University of Oxford, Oxford Institute of Ageing, AGEING HORIZONS, Issue No. 2, pp.15-20.

INSG Insight, (2008), "THE FINANCIAL CRISIS: IMPACT ON EXPLORATION ", INSG SECRETARIAT BRIEFING PAPER No. 3, December.

Johnson Richard W. and Janice S. Park, (2013), "Labor Force Statistics on Older Americans ", URBAN INSTITUTE, Retirement Security Data Brief, Program on Retirement Policy, Number 8, January.

Jong-il Kim, (2001), "Total Factor Productivity Growth in East Asia: Implications for Future Growth ", Department of Economics, Dongguk University, Seoul, Korea, April.

Kinsella, Kevin and David R. Phillips (2005); Global Aging: The Challenge of Success, Population reference Bureau; Population Bulletin, Vol. 60, No. 1 2005.

Laeven Luc and Fabian Valencis, (2008) "Systemic Banking Crises: A New Database," International Monetary Fund Working Paper, WP/08/224, Washington, DC, November.

Lauretta, Eliana, (), "Finance and Growth: understanding the switch from "Virtuous" to "Bad" Cycles in the finance-growth relationship ", Catholic University of S. Heart, Milan, Postgraduate Research Fellow, Birmingham Business School, University of Birmingham.

Lee, Ronald, Andrew Mason and Daniel Cotlear ,(2010)," SOME ECONOMIC CONSEQUENCES OF GLOBAL AGING ",The World Bank, Health, Nutrition and Population (HNP) Discussion Paper.

Leonardo Burlamaqui, Dimitri B. Papadimitriou,(2011)," The Ford–Levy Institute Project on Financial Instability and the Reregulation of Financial Institutions and Markets ", 20th Annual Hyman P. Minsky Conference on the State of the US and World Economies,- Financial Reform and the Real Economy, A conference organized by the Levy Economics Institute of Bard College, April 13–15, 2011, New York City.

Ioan Nistor, Ulici Maria,(2013)," IMPACT OF FINANCIAL CRISIS OVER THE COMPANIES OF BET INDEX COMPOSITION ", 187 Investing in people! PhD scholarship, Project co-financed by the European Social Fund, SECTORAL

OPERATIONAL PROGRAMME HUMAN RESOURCES DEVELOPMENT 2007 – 2013 Babeş-Bolyai University, Cluj-Napoca, Romania.

Morrow K. MC & W. Roeger,(?)," THE ECONOMIC CONSEQUENCES OF AGEING POPULATIONS -(A COMPARISON OF THE EU,US AND JAPAN) ",Directorate-General for Economic and Financial Affairs (ECFIN) of the European Commission.

Ramona POPA, Lucia,(2009)," The Impact of Economic Crisis on Direct Foreign

Investments ", The Annals of “Dunarea de Jos” University of Galati, Fascicle I – 2009. Economics and Applied Informatics. Years XV – no 2 - ISSN 1584-0409, Universitatea “Constantin Brancoveanu” Pitesti Facultata Management Marketing in Afaceri Economice,pp 101-108.

Stiglitz, Joseph,E.,(2010)," Freefall: America, Free Markets, and the Sinking of the World Economy" , W. W. Norton & Company, January.

Székely, István P.,Paul van den Noord, 6 October(2009)," Economic crisis in Europe: Cause, consequences, and responses–A report by the European Commission" ,(http://www.voxeu.org/article/economic-crisis-europe-cause-consequences-and-responses)

United Nations Population Division.(2009)," World Population Prospects: The 2008 Revision". New York:, United Nations.

United Nations,(2011)," World Economic Situation and Prospects 2012- Global economic outlook ", New York.

World Bank,(2013)," Mitigating the Economic Impact of an Aging Population:



Options for Bulgaria- Poverty Reduction and Economic Management Europe and Central Asia Region ", August, Document of the World Bank.

Xiang, Songzuo,(),"Searching for an anchor of the International Monetary System- A Case Study of RMB exchange Rate ", the BRICS & Asia, Internationalization, and International Monetary System Conference ,December 10-11 Hong Kong.